

مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی

دوره دوم - اجلاسیه دوم

۱۳۶۲ - ۱۳۶۵

صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی روز سه شنبه بیست و هشتم آبان ماه ۱۳۶۴

فهرست مندرجات:

- ۱- اعلام رسمیت جلسه و تلاوت آیاتی از کلام الله مجید.
- ۲- بیانات قبل از دستور آقایان: خلخالی، خاوری، کبیری، شجاعی.
- ۳- تذکرات نمایندگان مجلس به مسؤولان اجرایی کشور به وسیله آقای رئیس.
- ۴- اعلام نتیجه آراء انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی در کمیته تخصصی ارز و شورای سرپرستی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- ۵- ادامه بحث پیرامون لایحه حدود و شیوه فعالیت تولیدی بخش خصوصی
- ۶- پایان جلسه.

جلسه ساعت هشت به ریاست آقای هاشمی رفسنجانی تشکیل شد

صادق خلخالی - بسم الله الرحمن الرحيم، درود به روان پاک شهدای راه اسلام، رزمندگان جان برکف و شهدای اخیر ژاندارمری افسران و درجه داران و سربازان در سیستان و بلوچستان که در راه مطامع کثیف باند قاچاقچی و عدم قاطعیت قوه قضائیه جانشان را در راه این ملت از دست دادند.

اراده قوی و خلل ناپذیر و خدائی ملت های مستضعف سراسر جهان و ملل اسلامی بالاخره آقای ریگان و گورباچف را وادار به ملاقات در «ژنو» نموده است. آنچه که مسلم است اینها نمیخواهند دردی از جامعه مستضعف سراسر جهان دوا کنند. آتش افروزی و کانون تشنج در سراسر جهان مربوط به این دو ابر قدرت است. واقعیت را نمی شود منکر شد. شوروی ها در افغانستان مردم را کشته اند و می کشند و دمار از روزگار مسلمان ها کشیده اند. آنها باید از این خطه بیرون بروند آمریکائی ها در مدیترانه، در سرزمین های فلسطین، در جنوب لبنان، در سرنوشت مردم لیبی و تونس و مغرب و ایران و عراق شرکت فعال دارند و هیچکس اینها را کدخدای مردم جهان حساب نمی کند. آقای ریگان دیروز با کمال وقاحت اعلام کرد که من به نمایندگی از طرف همه ملل جهان با آقای گورباچف ملاقات می کنم. این نمایندگی، نمایندگی ملت مستضعف نیست. مانند یک تصابی که نماینده گوسفندان بشود و این آدمی که تا مرفق دست هایش به خون مردم مستضعف آغشته شده این فقط نماینده کارتل ها و تراست هاست، و امیدواریم که ان شاء الله در این باره آقایان دیگر مفصلاً صحبت کنند.

یک واقعیت تلخی که حضرت آقای منتظری هم در ملاقات با نمایندگان مطبوعات تذکر دادند که «اینها دولتی شده اند آن حقایق را بگویند» در آن بیانات پربارشان سه مرتبه راجع به نحوه انتخابات ریاست جمهوری تذکر دادند. یک واقعیتی است که حقیقتش بود ۲۰ میلیون نفر شرکت بکنند ولی ۱۴ میلیون نفر شرکت کردند. علتش خیلی واضح بود که چرا شرکت نکردند. مردم به انقلاب، به امام، به آرمان اسلام پایبند هستند و تاپای جان هم از این جهت پشتیبانی می کنند و هیچگاه کوچکترین مسامحه ای در این راه از مردم رخ نداده است. ولی چرا اینجوری شد؟ معلوم بود که از اول چه کسی میخواست رئیس جمهور بشود.

- ۱- اعلام رسمیت جلسه و تلاوت آیاتی از کلام الله مجید
- رئیس - بسم الله الرحمن الرحيم - با حضور ۱۸۴ نفر جلسه رسمی است . دستور جلسه را اعلام کنید.
- منشی - بسم الله الرحمن الرحيم، دستور جلسه یکصد و نود و پنجم روز سه شنبه ۱۳۶۴/۸/۲۸ هجری شمسی مطابق با ششم ربیع الاول ۱۴۰۶ هجری قمری.
- ۱- دنباله رسیدگی به گزارش شور دوم کمیسیون امور قضائی و حقوقی در خصوص لایحه حدود و شیوه فعالیت تولیدی بخش خصوصی.
- ۲- گزارش شور دوم کمیسیون برنامه و بودجه در خصوص لایحه مجوز پرداخت تمهیدات طرح های عمرانی مربوط به سال های ۵۲ لغایت ۶۳.
- ۳- گزارش شور اول کمیسیون امور دفاعی در خصوص رد لایحه ترفیع مشمولان وظیفه فوق دیپلم در مواقع جنگ و بحرانی.
- ۴- سؤال آقای سید کمال الدین نیکروش از آقای وزیر صنایع سنگین.
- رئیس - تلاوت کلام الله مجید را شروع کنید.
- اللهم صل علی محمد و آل محمد
- اعوذ بالله من الشیطان الرجیم - بسم الله الرحمن الرحيم
- ام لهم نصیب من الملك فاذا لا یؤتون الناس تقیراً. ام یحسدون الناس علی ما اتیهم الله من فضله فقد اتینا ال ابراهیم الكتاب والحکمة واتیناهم ملکاً عظیماً. فمنهم من امن به ومنهم من صدعنه وکفی بهنیم سعیراً. ان الذین کفروا باياتنا سوف نصیبهم نارا كلما نضجت جلودهم بدلناهم جلوداً غیرها لیدوقوا العذاب ان الله کان عزیزاً حکیماً.
- (صدق الله العلی العظیم - حضار صلوات فرستادند)
- «آزایه ۵۶ الی آیه ۶۰ سوره النساء»
- ۲- بیانات قبل از دستور آقایان: خلخالی، خاوری، کبیری، شجاعی
- رئیس - سخنرانان قبل از دستور را دعوت کنید.
- منشی - آقای خلخالی نماینده قم. آقای خاوری نماینده لنگرود. آقای شجاعی نماینده ساری.



در ماه صفر بوده است. اگر هم در ماه صفر بوده، آن آخر ماه صفر بوده نه اول ماه صفر چرا اینجوری مقاله می نویسد؟ چرا آب به آسیاب دشمن می ریزید؟ ما امروزه اسیر توطئه های گوناگونی هستیم بحمدالله والمنة این مملکت قوام دارد و حرکت ضد انقلابی از هر طرف بوده باشد منکوب است، کوییده می شود و هیچ ارجی و قیمتی برای آنها ما قائل نیستیم. ولی شما ملاحظه می کنید قاچاق، مخصوصاً قاچاق مواد مخدر هنگامه می کند. همین پریروزها جرایم نوشتند که شانزده نفر که دونفر افسر هم جزو آنها بودند از همین ژاندارمری که خدا ان شاء الله با شهدای کربلا اینهارا محصور کند و محصور هم هستند جانشان را از دست دادند، با تیربار آمدند، با رگبار آمدند و زدند و شانزده نفر را کشتند (پانزده نفر در همان میدان معرکه کشتند و یک نفر را هم روز قبل کشته بودند) حرکات اینها مشخص است، معلوم است یک قدری قاطعیت اگر بخواهد قوه قضائیه در این کار انجام بدهد (رئیس - وقتان تمام شد) حل این مسأله خیلی آسان است. و امیدواریم که ان شاء الله این مسائل بررسی بشود. ما مشکلی به آن معنائی که لاینحل بوده باشد و خارجی ها مرتب مانور می دهند و این رسانه های گروهی مدام در قوه قضائیه با توجه به فرمایشات آقای اردبیلی در نماز جمعه گذشته در تهران که مطالبی را از امام فرمودند که این طاغوتی ها چه جور می هستند و فلان هستند. یک قدری قاطعیت نشان بدهند ان شاء الله مشکلی نداریم و مشکل هم حل خواهد شد و من بیش از این وقت شما را نمی گیرم، حرفم هم زیاد بود. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته (چند نفر از نمایندگان - احسنت احسنت).

منشی - آقای خاوری .

میرعلی نقی سید خاوری لنگرودی - بسم الله الرحمن الرحیم، با سلام و درود به منجی عالم بشریت امام زمان روحی له الفداء و سلام و درود به پیشگاه رهبر عظیم الشان و شهیدان گلگون کفن راه اسلام و آرزوی نصرت و پیروزی برای کفر ستیزان اسلام در جبهه های نبرد حق علیه باطل، ضمن اینکه اساسی ترین مسأله جامعه انقلابی ایران جنگ است و بایست به هر طریق ممکن آن را حفظ نمود. با هفت سال گذشت زمان نه گذشت متعارف، بلکه مالمال از حوادث و تحریکات و خرابکاریهای دشمنان و ترورهای منافقین، مزورانه عمل نمودن اکثریت و اقلیت و جنگ ویرانگر و انفجارهایی از قبیل مرکز حزب و هواپیمای سران نظامی (نه یکی و دوتا) توجه نمایندگان محترم و مردم شریف گیلان خاصه حوزه انتخابیه اینجانب شهرستان لنگرود را به نکات زیر جلب می نمایم:

۱- خدا را شکر که کشاورزی در جامعه انقلابی ما از اولویت خاصی بحساب آمده است. امید ما آن است که این اولویت از بخشنامه و اساسنامه ویلان از پیش اعلام شده و از این قبیل تجاوز کند. و عملاً هم قدمی هر اندازه کوچک برای کشاورزی و کشاورزی برداشته شود. بنام علیهذا توزیع سم و تحویل تراکتور و خرید محصولات و فروش سمپاش و تحویل قطعه و فروش بذر و اعزام سروجین کشاورزی مسائلی است که به مرحله بعدی موکول می شود. (یعنی اقدام عملی) لحظه شماری می کنیم برنج و چای دو قلم محصولی باشند که در استان مولد ما تضمین تولیدش از جانب دولت جامه عمل ببوشد. گواهمان خدای من و مردم ایثارگر سراسر گیلان زمین با همان شیفتگی و همان امید که در طلیعه پیروزی انقلاب، خانه های مردم ما را گرمی و امید بخشیده بود. امروز هم با همان ابعاد و به علاوه پختگی و بینش عمیق تر و بهتر پشت سر انقلاب و رهبر بزرگ گوش به فرمان در حالت بسیج، فقط انتظار آن دارند که مدیران استان قسمتی از این همه سرمایه معنوی و مادی را جذب کنند. با عنایت به مطالب معروضه فوق می بایست از وزارت محترم کشاورزی سؤال شود تا پس از پیروزی انقلاب تاکنون چه عمل مثبتی در امر توسعه کشاورزی و دامداری در استان گیلان صورت گرفته است؟

۲- امروز پس از سرمایه های عظیمی که مصروف انقلاب نموده ایم بایست مدیرانی کارآزموده، مبتکرین و مخترعین نابغه، پیشرفت ها و جهش های فنی اقتصادی، بینش های دقیق و تعیین کننده را یکجا داشته باشیم. مع الاسف عدم مدیریت و جابه جایی بی مورد مسؤولین از صدر تا ذیل استان ما مسأله ای است که نظر مقامات محترم کشور را بخود جلب می نماید. از اول انقلاب تاکنون تنها شهرستان لنگرود دوازده فرماندار بخود دیده و هم اکنون فرمانداری لایق و کارداران که بتوانند همه ادارات و ارگان های انقلابی را هماهنگ نماید فاقد است. و کسی که مسؤولیت فعلی آن شهر را به عنوان نماینده دولت عهده دار است تنها سرپرستی بیش نیست. گرچه به طور مداوم اینجانب از طریق ریاست محترم مجلس به صورت تذکار به

روی این جهت مردم دلسرد شده بودند. کاندیدائی که از اول معلوم هست شاید در زمان ما به دیکتاتوری نکشد اما کم کم این رویه به دیکتاتوری می کشد. علت دومی که وجود داشت البته تعیین یک کسی بود که خودش را مثلاً می خواست از عنوان آقای کاشانی و دیگران استفاده کند و این به مراتب بدتر از آن کسی بود که او را ردش کردند. حقیقت بود آقایان سؤال کنند از آقای افتخار جهرمی و آقای بهرامی که در جلسه خصوصی مجلس روز سه شنبه آمدند همه گفته ها را گفتند و آقای افتخار جهرمی مورد اعتماد است. چرا آقایان از اوسوالی نکردند. و اینها که بعضی از وزراء تذکر دادند که خط مظفر بقائی را پیاده می کنند این حرف درستی است. برای خاطر اینکه اینها روی همان کج کاری های خودشان حالا هم فعالیت می کنند. و این مسأله یک مسأله کوچکی نیست که در آینده ما کاری بکنیم که مردم نسبت به انتخابات بدبین بشوند. شکست خورده های سیاسی و شکست خورده های مردمی اینها این روزها از وجهه عده ای آقایان روحانیون و دیگران استفاده کرده اند و همتشان را گذاشته اند در اینکه جنبه های افراطی بعضی مسائل را تعقیب کنند که چشم مان بعد از روزنامه میزان و انقلاب اسلامی به «روزنامه رسالت» باید روشن بشود. عده ای هم در اینجا قلم فرسائی می کنند و یک سطلی راهم می نویسند و همه ما میدانیم. این روزنامه قبل از آنکه بیرون بیاید زیر سؤال رفته است. چرا؟ تمام گریزها به قول روضه خوان ها بر میگردد آخرش شاید خودشان هم متوجه نبودند. طرفداری از مالک می کنند آخرش به آنجا میرسد. طرفداری از بازاری می کنند کدام بازاری؟ بازاری که خون میدهد، پول میدهد. کمک به جبهه می کند چه مناسبتی با شما ها دارد؟ یعنی همه مشکلات این مملکت حل شده، مسأله بیکاری، مسأله تورم، آوارگی، مسأله مسکن، مسأله زمین فقط و فقط به اینجا رسیده است و فقط و فقط مالک فقط مشکل داریم؟ آقایان می خواهند مثلاً در آینده اگر انقلاب شکست خورد دوباره از این طاغوتی ها و جوهات بگیرند و زندگیشان را اداره کنند؟ آیا مسأله اینجوری است؟

محمد محمدی - این چه حرفی است آقای خلخالی؟

خلخالی - مانند کسی که تخم بار است، مانند کسی که نژادش شوم است وزیر بار این مسائل، مردم شهید پرور... (اعتراض چند نفر از نمایندگان) آقا! از وقت من آقای هاشمی حساب نمی کند. این ایرادها را شما هم بیائید وقت بگیرید و جوابش را بدهید.

رئیس - حالا شما که دارید حرفتان را می زنید.

خلخالی من از دامستانی محترم از فرمایشات ایشان که این روزها در جرایم و روزنامه ها مطرح است که طاغوتی ها برمی گردند با کمال قدرت پشتیبانی می کنیم و وظیفه ما عبارت از اینست. در مجلس هم نامه ای نوشتند و پشتیبانی خودشان را اعلام کردند و ما هم پشتیبانی می کنیم تعقیب کنند و آقای دادستان یک قدری رشادت داشته باشند و بیایند کسانی را که توصیه کردند و نامه ها را امضاء کردند برای برگشت اسامی مصادره «برق لامع» یا آنکه در «ارومیه» بود، یا آنکه در تهران بود یا آنکه در شیراز بود، بیایند به مردم بگویند مردم روشن بشوند چه کسانی هستند که این مسائل را عنوان کردند و چه کسانی هستند که نوشتند احکام فلانی و... «کان لم یکن» اعلام می شود. نامه اش موجود است. از جمله افرادی که نوشته اند فلانی مثلاً حکمی که داده است (بنده را مقصودشان بوده است) آقای محصل همدانی در یک نامه بطور خلاصه «حکم هائی که خلخالی داده است «کان لم یکن» اعلام می شود». این حرف را از کجا داری می گوئی؟ اگر فرمایش شورایی قضائی است آیت الله اردبیلی خودش نوشته است و با خط خودش امضاء کرده و می گوید: «احکامی که تا سال ۶۰ فلانی داده است به قوت خود باقی است». چرا اینجوری میکنی؟ من نمی خواهم بگوئید شما ضد انقلاب هستید. ولی فکرتان یک جور است که ضد انقلاب از این بهره برداری می کند. این همه جوان های ما به جبهه ها می روند و این همه جوان های ما خون می دهند و به قول امام افتخار می کند که اینها بطرف مرگ می روند و ما وقتی که اینها را داریم چه غصه داریم که بیائیم و بنشینیم. همه همتان و وجهه مان عبارت از این بوده باشد که طرفداری از مالکان گردن کلفت را همت خود قرار بدهیم و در یک موردی و مواردی مقاله بنویسیم خوب، امام تعیین کردند چند نفر را من باب مثل که هیأتی قضایا را حل و فصل کنند آن وقت ما می بینیم مقاله ای می نویسند و در آن مقاله جریان «دومة الجندل» را، ابوموسی اشعری را، عمرو عاص را پیش می کشند و بعد می گویند به این مناسبت که آن

وزارت کشور در مورد فرماندار و بخشدار اعلام نمود. عجباً پس از گذشت شش ماه هنوز بخشدار مرکزی تعیین نگردیده. از این رهگذر در مورد نداشتن مدیرانی کاردان باید به عرض برسانم پس از هشت ماه از گذشت سنه ۶۴ بطور قطع و یقین هنوز نیمی از بودجه استان جذب نگردیده است. بدین ترتیب سزاوار است افراد کم تجربه پس از به شهادت رسیدن عده کثیری از بهترین جوانان مرزوبوم ما که در هر پست و مقامی قرار گرفته اند پس از درک احساس ضعف خود به کنار روند و بگویند من در امر محوله ضعیف هستم تا مشکلات منطقه ما بوجود نیاید.

۳- شایسته است مسئولین کشور انقلابی که راهپیمائی های چندسیلونی آن نه یک روز و دو روز بلکه ماهها و کمک رسانی توانگران به ناتوانان نه یک مورد و دو مورد و کاروان های کمک رسانی صد کامیونی مردم شریف و ایثارگر گیلان از این فیض عظمی بی بهره نیستند به این نکته واقف آیند. زیرا غیر از برکات و نعمات ظاهری الهی، خداوند نبوغی غیر قابل وصف به مردم آن دیار آن هم در جوانان رنج دیده در راه تحصیل به منصفه ظهور رسانده که نمونه بارز آن آسار قبول شدگان کنکوری دانشگاهها از سالیان گذشته تا کنون گواهی بر این مدعا است. استعداد شکوفان و تفکر سیال خدادادی در مورد قبول شدگان همان بود که به عرض رساندم. تاگزینش ها چه صلاح بدانند. و خلاصه در یک جمله کوتاه بگویم سعی کنید پس از گذشت شش سال و اندی از عمر انقلاب، جذب به حق را از دفع ناحق ترجیح دهید.

۴- استان گیلان گرچه بر سر زبانها جزو مرفه ترین استانها لقب یافته است. لکن اگر کسی به دقت به همه جوانب آن نظر افکند این تزغلط را از فکر و اندیشه خود دور می سازد. بدین مناسبت صرف نظر از جاده های روستائی که خود نمونه هائی از آن را به رای العین مشاهده نمودم که اگر ۲٪ از عوارض دریافتی جای را مسئولین امور بخواهند صرف جاده های مال رو روستائی نمایند که به حق باید چنین کنند تا انسان های روستائین برای خرید یک گونی آرد و مایحتاج دیگر زندگی که می خواهند از شهر به روستا حمل نمایند ناچار نگردیده به چند برابر خرید آن کالا کرایه حمل بدهند. اینکه فریاد از درآمد ۲٪ جای استان، قانونی یا غیر قانونی به وسیله اینجانب یا بعضی نمایندگان محترم دیگر استان سر داده می شود بیهوده سخن بدین درازی نبود. زیرا تنها عواید حاصله از ۲٪ جای شهر لنگرود و حومه در سال (۶۳) به شش میلیون و پانصد هزار تومان رسیده بود. و حال آنکه نیمی از درآمد فوق الذکر فقط از بخش کومله لنگرود است که مرکز بخش آن احتیاج به دوست متر جاده آسفالت دارد و باید محرومیت آن را به خاطر نداشتن مدیر لایق در استان تحمل نماید. بدین منظور جاده فعلی استان گیلان خصوصاً جاده کناره رشت به چابکسر که برای نیاز مردم بیست سال قبل احداث گردیده بود حدود ۱۰۰ کیلومتر می باشد. با توجه به تراکم جمعیت و افزایش وسائط نقلیه نیاز فعلی استان را تأمین ننموده زیرا وجود مزارع کشاورزی در کنار جاده و تشکیل بازارهای سنتی هم روزه و نزدیک بودن فواصل شهرها و بخشها در طول مسیر و عرض جاده با متر اژدها متر به علاوه کم عرض بودن پلها سبب گشته که سطح تصادفات در شش ماه اول سال (۶۴) به ۳۰۴ فقره رسیده باشد. البته فعالیت های چشمگیر و زحمات شبانه روزی پلیس راه ژاندارمری گیلان بر همگان پوشیده نیست. بنابراین به وزارت راه و ترابری توصیه می نمایم تا هر چه زودتر پروژه از پیش تعیین شده در امر احداث جاده کمر بندی را به مرحله اجرا در آورند. و اینک تذکراتی چند به مسئولین محترم اجرائی کشور نسبت به حوزه انتخابیه ام:

۱- وزارت دادگستری در مورد اعزام هیأتی جهت رسیدگی به وضع دادسرای عمومی.

۲- به وزارت آموزش و پرورش در مورد رسیدگی به وضع فرهنگیان محترم و مرمت مدارس شهر و روستا.

۳- به سازمان برنامه و بودجه در مورد اختصاص بودجه جهت تأمین آب آشامیدنی و لایروبی از رودخانه و سد بند گورستان.

۴- به وزارت کشاورزی و شیلات گیلان در مورد توزیع انواع ماهی بین دست فروشان و کسبه جزء به صورت عادلانه.

۵- به وزارت بهداشتی و بهزیستی در مورد اعزام متخصص بیهوشی و به اتمام رساندن زایشگاه شهر که به همت والای مردم خیر فائز مانده است.

۶- به وزارت جهاد سازندگی برای چندمین بار در مورد مسؤلی لایق و بی نظر.

۷- به استانداری گیلان در مورد آسفالت جاده لنگرود به لیلکوه و بخش

کومله از درآمد ۲٪ جای.

در خاتمه از مردم شهید پرور و ایثارگر لنگرود و حومه که به ندای ریاست محترم مجلس شورای اسلامی لبیک گفته و از اعزام نیرو و کمک به جبهه دریغ نکرده اند سپاس و تقدیر می نمایم. والسلام علیکم ورحمة الله.

رئیس- سخنران بعدی بفرمائید.

منشی- آقای شجاعی که سه دقیقه وقتشان را به آقای کبیری دادند.

قبر کبیری- با تشکر از جناب آقای شجاعی که محبت کردند و سه دقیقه وقت در اختیار من گذاشتند.

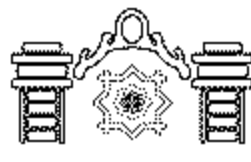
بسم الله الرحمن الرحيم. قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم:

«لا یدلغ المؤمن من جحمرتین». اما از قرار معلوم ما هنوز در مرحله آزمایش این کلام رسول گرامی اسلام هستیم و تا به حال نه تنها بارها و بارها از یک سوراخ گزیده شده ایم بلکه بسیاری از چهره های ارزشمند خود را به علت عدم رعایت این کلام گهربار پیامبر بزرگوار اسلام و سهل انگاری و خوش باوری و کج سلیقگی از دست داده ایم.

در شامگاه روز یکشنبه نوزدهم آبان ماه جاری یعنی ده روز قبل به خاطر همین رویه بار دیگر چهار نفر از خدمتگزاران انقلاب اسلامی یعنی برادر اشرافی جانشین دادستان انقلاب اسلامی سرودشت و سه نفر از محافظین ایشان به نام های منصور زارعی و سمیع الله قنبری (پاسدار) و احمد یوسفی (پلیس وظیفه) به دست یک نفر ضد انقلاب و سارق مسلح که به اصطلاح از نیروهای جهاد زندان بوده و دوران محکومیت خود را به عنوان خدمتگزار در دادسرای انقلاب اسلامی سرودشت می گذرانده به شهادت رسیدند.

در اینجا ضمن تبریک و تسلیت شهادت این عزیزان به خانواده های محترمشان و مردم حزب الله سرودشت و گزیر خوار اصفهان توجه مسئولین محترم قوه قضائیه، نمایندگان محترم مجلس و همه امت حزب الله را به نکته ای جلب می کنم که در وقوع چنین حوادثی نقش مهمی دارد.

مدت زیادی است که در شیراز و شاید در برخی از نقاط دیگر بساطی به نام جهاد زندان درست شده به این نحو که برخی از زندانیان و بعضی از به اصطلاح توابین را برای کار به خارج از زندان میفرستند و زندانی بجای چشیدن طعم زندان و محرومیت های اجتماعی که سزای اعمال او است در نقاطی خارج از زندان به کار مشغول میشود و حقوق دریافت میدارد. جنایتی که در سرودشت به وقوع پیوست ثمره این تصمیم بیجا و ناپخته برخی از مسئولین قضائی است. زیرا فردی را که مرتکب سرقت مسلحانه بوده و بانیره های ژاندارمری به زد و خورد مسلحانه پرداخته به مرکز مهمی مانند دادسرای انقلاب اسلامی میفرستند و به مصداق «هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت» طبیعتاً نتیجه ای بهتر از این نخواهد داشت. ناگفته نماند که خود جانشین دادستان که از قربانیان این حادثه است مصرانه تقاضای اعزام قاتل از زندان به دادسرا را داشته اما اصل طرح و برنامه اشتباه بوده و اگر این طرح متوقف نشود خدای ناخواسته بایستی شاهد جنایات بیشتری از سوی ضد انقلاب باشیم. امید است این حادثه تأسف بار زنگ خطر برای مسئولین محترم قوه قضائیه باشد تا بر پلنگان تیز دندانی که آماده ریختن خون فرزندان این امت حزب الله هستند بیش از این ترحم ننمایند و جهاد زندان را که علاوه بر ایجاد حوادثی نظیر حادثه سرودشت با شایعه پراکنی ضد انقلاب باعث به زیر سؤال رفتن جهاد سازندگی نیز شده است جمع کنند. در همینجا لازم است از گروه های مقاومت منطقه (رئیس- وقتان تمام است) که با فداکاری و همکاری نیروهای انتظامی با سرعت بی نظیری قاتل را به سزای اعمال خود رسانده و هندستان او را دستگیر نموده اند تشکر نمایم و از شورای عالی قضائی انتظار دارد در صدور اطلاعیه ها دقت بیشتری بنمایند تا عملیاتی را که گروه های مقاومت و نیروهای انتظامی سرودشت انجام داده اند به نام گروه های اعزامی از شیراز منتشر نشود. همچنین ضمن تشکر از حضور کم سابقه مردم شهید پرور سرودشت در مراسم تشییع پیکرهای پاک شهدای این واقعه امیدوارم مسئولین محترم قوه قضائیه فریادهای مردم را که خواستار اصلاح و تصفیه دادگستری سرودشت بوده اند شنیده و به آن ترتیب اثر لازم را بدهند (رئیس- وقت تمام است) ضمناً در اینجا لازم است از زحمات بی دریغ بازرسی کل کشور که با تلاش پیگیر خود سبب روشن شدن علت پاره ای از مسائل و مشکلات موجود در شرکت بخش کود و سم گردید تشکر و قدردانی نمایم، و از وزارت کشاورزی انتظار دارم هر چه سریعتر در تصفیه و تعقیب افراد خاطی و حمایت از خدمتگزاران صدیق اقدامات



لازم را به عمل آورد. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

منشی - آقای شجاعی بفرمائید.

رئیس - شش دقیقه وقت برای جنابعالی باقی مانده است.

شجاعی - بسم الله الرحمن الرحیم. قال امیرالمؤمنین علیه السلام «کونا للظالم خصماً وللمظلوم عوناً».

با سلام و درود فراوان به ارواح طیبه شهدا و پیشگاه رهبر عالیقدر نجابتبخش محرومان و امید مستضعفان سخنی را که فکر میکنم برای هیچکدام از برادران و هیچکدام از آحاد حزب الله تازگی نداشته باشد به علت ضرورتی که احساس میکنم تکرار میکنم:

بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب انتظار می کشیدیم که دستهای مرموز ضد انقلاب که با اسلام و اساس اسلام مخالفت دارند راهی که برای بازگشت مجددشان پیش بینی کنند مخالفت با عناصر اصیل انقلابی است، آنهایی که با زبان بسیار نیرومند برای امام و انقلاب بودند از همان نخستین روزهای پیروزی انقلاب زیر سؤال رفتند. جالب قصه آن است که همچنان این روند ادامه دارد و نوع زیر سؤال بردنشان هم همیشه یکنواخت و یکگونه بود، همیشه متهم بودند به دفاع از سرمایه داری و دفاع از مستکبرین، این تهمت و انگ بود که ضد انقلاب بعد از پیروزی انقلاب به تمام شخصیت‌های اصیل انقلابی ماکت که نام بردن آن عزیزان ضرورتی ندارد و حتی تاریخ را اگر عقب تر برگردیم و ورق بزنیم این تهمتی است که به روحانیون و الامقام ما، به مراجع ما حتی به رهبر عالیقدر بنیانگذار جمهوری اسلامی شاه نسبت میداد. لابد انقلابیون اصیلی که از سال چهل به اینطرف در متن انقلاب بوده‌اند فراموششان نشد که آن روزها امام و همه مراجع متهم بودند که مالکین به آنها پول داده‌اند و آنها علیه انقلاب شاه و مردم قیام کرده‌اند و باز آن شاه الله یادتان رفت که شاه رسماً در سخنرانی‌اش گفته بود که جمال عبدالناصر پول فرستاد برای امام و ایشان نفری ۲۰ ریال به مردم تهران توزیع کرد تا آن قیام گسترده ۱۰ خرداد را به وجود آوردند. این تهمت، تهمت سرتاسری تاریخ است که همیشه علیه انقلابی‌های اصیل و حرکت‌های امامت و فقاقت گفته می‌شد و باز تهمت دیگری که بعد از انقلاب خیلی مطرح بود و بسیاری از موارد هم درست بود و امروز هم به ناحق مطرح هست مسأله طرفداری از ولایت فقیه و ضد ولایت فقیه است. من برای اینکه این دو نکته را توضیح داده باشم با این وقت کم به یک نکته اساسی اسلام اشاره میکنم و بعد هم به این نکته.

جهت گیری اسلام برادران بحثی ندارد، تردیدی ندارد هر کس که با الفبای اسلام آشنا باشد جهت گیری اسلام نجات محرومین و نجات مستضعفین است و ضد ظلم و استکبار است. اما در شیوه برخورد با مستضعفین و نجات آنها بحث است. هیچکس در این مجلس و هیچکس به نام روحانیت به خصوص روحانیت گرانقدر صدرشناس، مجتهدین، علمای و الامقام، من حد اقل نمی‌شناسم که طرفدار مالک و سرمایه دار به معنی حرام کلمه باشد، به معنی غیر شرعی کلمه باشند نهایت فقط اختلاف سر این نکته است که آیا مشی و راهی که برای نجات محرومین مطرح است منحصر همین است که بعضی از آقایان اعلام میدارند یا راه دیگری هم وجود دارد؟ آنهایی که متعبد به فقه هستند، آنهایی که فتوای امام را قبل از انقلاب و بعد از انقلاب همه جای که حجت شرعی میدانند آنها طرفدار مالکیت نامشروع هستند، طرفدار سرمایه دار استثمارگر هستند، اما آنهایی که فقه قبل از انقلاب امام را متعلق به دوران فترت میدانند و بعد از انقلاب را لازم به تجدید نظر میدانند شاید هم اینجور باشد من نمی‌گویم شاید نباشد ولی به هر حال امام باید تشخیص بدهد، و امام باید فتوای خودش را عوض نکند. تا امام فتوایش آن است ما وظیفه‌مان اطاعت است، نمی‌توانیم بگوئیم ولایت فقیه را قبول داریم و بین فتوای قبل از انقلاب او با بعد از انقلاب تفضیل قائل بشویم «نؤمن ببعض و نکفر ببعض» این صفت کفار است، این صفت منافقین است، این صفت مسلمانان نیست. مسلمانان راستین خط فقاقت و امامت حرف فقیه را تا وقتی که نقض نشد اطاعت میکنند. مسأله نجات محرومین و مستضعفین است، شیوه نجات مستضعفین چیست محل بحث است. همه با اجتهاد خود صحبت می‌کنند ان شاء الله به حق هم می‌گویند. هیچ کدام ان شاء الله قصد سوء هم ندارند. نکته اینجا است آیا معنی دارد اگر من طرحی برای نجات محرومین دارم. این طرح را برای خودم بتی درست بکنم که دیگران اگر طرح مرا نپذیرفتند آنها را انگ بزنم و فحش بگویم؟ (رئیس - وقتان تمام است) به ناحق کنار

بگذارم. این سخن، سخن عاقلانه و منطقی به نظر میرسد؟ اگر شیوه‌ای که مادر نجات از محرومین شروع کرده‌ایم. راست است و درست است و هیچ انتقاد و اشکال و ایرادی ندارد، پس چه شد که محرومین نجات پیدا نمی‌کنند؟ مگر شما آمار نمیدهید و نمی‌بینید؟ (رئیس - وقتان تمام است) اجازه بدهید یک جمله دیگر هم عرض بکنم. که تقدینگی در سلکت ما در وضع حاضر از زمان شاه به مراتب بیشتر است. این تقدینگی که در خیابان و کوچه و کارگاهها و بازار و بین کشاورزان هست. دست چه کسی است؟ کارگر که ندارد. کشاورز که ندارد، محروم و بپارهنه که ندارد، کارمند اداره که ندارد، اینها که همیشه هشتشان به‌نشان گرو است. این اقلیت محدودی که این سرمایه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند لردتر از لردهای زمان شاه شده‌اند، چه کسانی هستند؟ چرا اینها شناسائی نمیشوند؟ بیائید روی اینها محاسبه بکنید و فکر بکنید و واقعاً بگوئید من بگویم دزد را بگیر، شما هم بگوئید دزد را بگیر، آن آقا هم بگوئید دزد را بگیر و آخر هم دزد کم بشود و معلوم نباشد که دزد چه کسی است. معذرت می‌خواهم از برادران محترمی که عریض من را گوش کردند و از ریاست محترم هم تشکر می‌کنم که محبت کردند و وقت اضافه به‌بنده دادند و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته. (عده‌ای از نمایندگان احسنت - احسنت)

۳- تذکرات نمایندگان مجلس به مسؤولان اجرائی کشور به وسیله آقای رئیس رئیس - تذکرات نمایندگان مجلس به مسؤولان اجرائی کشور:

آقایان خلخالی و محلوجی نمایندگان قم و کاشان به شهرداری و مسؤولان شهرستان قم در مورد جلوگیری از تخلیه زباله‌های کارخانه‌های تولید کچ و آهک در کنار جاده قم و کاشان.

آقای ولایتی نماینده آمل از وزارت خانه‌های بازرگانی و کشاورزی در خصوص اقدام به موقع و استمرار آن در خرید برنج آمل ۲ و ۳ از کشاورزان آمل تشکر کرده‌اند.

آقای کاظمی نماینده خلخال به وزارت بهداشت و درمان در مورد تکمیل لوله کشی آب آشامیدنی روستاهای رخمس، قجره و به وزارت کشور در مورد تأسیس کمیته انقلاب اسلامی در مرکز شهرستان خلخال تذکر داده‌اند.

آقای حسینی نماینده قائنات و در میان از مردم متعهد شهرستان قائن در خصوص اعزام جمع زیادی رزمنده به جبهه تشکر کرده‌اند.

آقایان اکرمی و صفری نمایندگان سمنان و دماوند به وزارت راه در مورد مرمت و شن ریزی راه فیروزکوه به سمنان تذکر داده‌اند.

آقایان ابراهیمی و شاهچراغی و عرب عسری نمایندگان ورامین، دامغان و گرمسار به شهرداری تهران در مورد احداث پل در چهار راه افسریه، تسریع در اسفالت افسریه به طرف مازن تذکر داده‌اند.

آقای لطیف صفری نماینده اسلام آباد به وزارت کار در مورد تأمین مسکن مهاجرین غرب کشور و اسکان مناسب آنان تذکر داده‌اند.

آقای رحیمی نماینده ملاوی به وزارت برنامه و بودجه در مورد تأمین بودجه طرح آبرسانی امیرسیف در بخش الوار گرمسیری اندیشک و جاده‌های نوزیان و سید دشت تذکر داده‌اند.

آقای موسوی پور نماینده ابهر به وزارت پست و تلگراف و تلفن در خصوص تکمیل و راه اندازی مخابرات خرمدره و به وزارت راه در مورد جاده ابهر - قیدار بیجار و راه کمربندی ابهر و اسفالت راه ابهر دولت آباد و به صدام و سیمای جمهوری اسلامی در مورد پوشش شبکه دوم تلویزیون شهرستان ابهر تذکر داده‌اند.

آقای بهشتی نماینده فسا به وزارت کشاورزی در مورد رفع مشکلات مجتمع دامداری صفاد در شهرستان فسا، و صدور پروانه به وزارت نیرو در مورد تکمیل ایستگاه خرم کوه در فسا تذکر داده‌اند.

ضمناً اطلاع دادند که برادر همکار محترم آقای شوشتری نماینده محترم نیشابور رحلت کرده‌اند که ما از طرف همه نماینده‌ها و مخصوصاً نمایندگان استان خراسان به ایشان تسلیت عرض میکنیم.

۴- اعلام نتیجه آراء انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی در کمیته تخصصی ارز و شورای سرپرستی صدام و سیمای جمهوری اسلامی ایران

رئیس - قبل از اینکه وارد دستور بشویم نتیجه دوتا انتخاباتی که در جلسه قبل داشتیم مطرح کنیم یکی از آنها یک مقدار احتیاج به توضیح دارد که باید توضیح داده بشود.

در مورد بودجه ارزی که نمایندگانی انتخاب کرده بودیم. آقای نادری ۱۴۶



داشته به این معنا که منتخب مجلس باید با یک رأی قوی و با یک پشتوانه خوبی به آنجا برود. بعد در دوره قبل همانطور که آقای هاشمی فرمودند. در دوره قبل درست است که یکبار این چنین اتفاق افتاد از بین کاندیداهای برای عضو اصلی دو نفر در واقع اکثریت نسبی داشتند، بیشترین رأی اکثریت نسبی را دو نفر داشتند یکی آقای دکتر روحانی بود و یکی آقای زواره‌ای بود. بعد در آنجا هم همین بحث مطرح شد و آقای رحمانی تذکر آئین‌نامه‌ای داده و ماده ۱۳۷ آئین‌نامه را خوانده است. آنجا البته مجلس قانع نشد رئیس محترم مجلس در آن موقع با این تذکر قانع شدند که با اکثریت نسبی هم میشود عضو اصلی انتخاب بشود و در مشروح مذاکرات هم آمده است. ولی باز هم می‌بینیم که کسانی مانند آقای آقامحمدی، مانند بعضی از افراد دیگر مجلس در خود مشروح مذاکرات آمده که معترض هستند. به هر حال من ماده ۱۳۷ را می‌خوانم من فکر میکنم که ماده ۱۳۷ به هیچ وجه نه حاکم بر آن قانون هست نه ناظر بر آن هست زیرا که اصلاً ظهور ماده ۱۳۷ این است که انتخاباتی که در داخل مجلس مثلاً رئیس مجلس، هیأت رئیسه مجلس، رؤسای کمیسیونها، رؤسای شعب امثال اینها مطرح است اصلاً برای یک چنین مسأله‌ای که یک نفر را میخواهد مجلس انتخاب بکند حالا چه نماینده مجلس باشد، چه نماینده مجلس میخواهد انتخاب بکند برای اینکه در بیرون مجلس مسؤولیتی را انجام بدهد به هیچ وجه اصلاً شاهد بر این مسأله نیست. البته من رویه قبلی را میخواهم عرض کنم که ما رویه قبلی را هم قبول نداریم. ماده ۱۳۷ را می‌خوانم «کلیه انتخاباتی که در مجلس و کمیسیونها و شعب به عمل می‌آید اعم از اینکه فردی باشد یا جمعی به استثنای انتخاب رئیس و مواردی دیگر که در این آئین‌نامه حد و نصاب دیگری برای آن تعیین شده است» این روش است که آنچه در این آئین‌نامه می‌آید مربوط به هیأت رئیسه مجلس است، مربوط به رئیس مجلس است رؤسای شعب و کمیسیونها هستند، به هیچ وجه در آئین‌نامه نمی‌آید که ما میخواهیم یک نماینده‌ای برای صدا و سیما انتخاب بکنیم چقدر رأی بدهیم. آن اصلاً ربطی به آئین‌نامه داخلی مجلس ندارد. بنابراین اینجا این آئین‌نامه و این ماده اصلاً غافل است و متوجه به این نیست که ما اگر بخواهیم یک نماینده مجلسی را مثلاً برای فرض کنید که همین نظارت بر ارز، تقسیم ارز و توزیع ارز یا در رابطه با بانک و پول و این چیزها اصلاً نظارت بر آن ندارد و غافل از آن است و ساکت از آن است و آن را قانون دیگر یا تعیین میکند یا تعیین نکرد خوب مثلاً اکثریت نسبی دیگر اشکالی ندارد. بنابراین من فکر میکنم که اینجا اگر ما بخواهیم واقعاً مجلس یک نماینده محکم و قانونی و با پشتوانه خوبی داشته باشد باید در رابطه با عضو اصلی انتخابات را ما دو مرتبه انجام بدهیم تا اکثریت مطلق حاصل بشود.

شیبانی - تذکر آئین‌نامه دارم آقای هاشمی.

رئیس - آقای شیبانی بفرمائید.

شیبانی - بسم الله الرحمن الرحيم. ماده ۱۷۰ آئین‌نامه «با پیشنهاد هیأت رئیسه یا پانزده نفر از نمایندگان در هر موقعی که مجلس صلاح بداند میتواند فرد یا هیأتی از نمایندگان را با تعیین مدتی انتخاب کند که مأمور انجام امری از امور مربوطه بشوند» تبصره ۲ آنرا می‌خوانم. «اگر تعداد کاندیدها مطابق تعدادی باشد که باید انتخاب شوند آراء نصف به اضافه حاضرین کافی است».

رئیس - خیلی خوب دیگر حرفی نیست؟

دکتر شیبانی - باید اکثریت مطلق باشد.

رئیس - ببینید حالا توضیحاتی که آقایان دادند همین است...

جهانگیری - این خیلی واضح است. مجلس یا حرکت قبلی مجلس را میخواهیم زیر سؤال ببریم یا اینکه نه، مجلس آمده انتخاب کرده است ما حالا بیائیم کل گذشته را زیر سؤال ببریم که نمیشود.

رئیس - خوب حالا این را من بحث می‌کنم.

دکتر شیبانی - آقای هاشمی! چرا در مورد دیوان محاسبات تجدید انتخابات کردید؟

اسمعیل فدائی - این قانون در کمیسیون ارشاد به تصویب رسید و من در

کمیسیون ارشاد از آن روز اول بودم و بعد هم نظر آقایانی که در کمیسیون بودند حالا شاید در صورت مذاکرات کمیسیون باشد دقیقاً این بود که کسی که انتخاب می‌شود آن فرد می‌بایست نصف بعلاوه یک آراء را داشته باشد.

بادامچیان - آقای هاشمی! اجازه میدهید؟

رئیس - بلی.

رأی آقای آقامحمدی ۹۵ رأی، آقای موسوی تبریزی ۵۱ رأی، آقای خزاعی ۲۶ رأی، آقای دکتر هادی ۲۶ رأی و آقای عبدالعلی زاده ۲ رأی.

بنابراین آقایان نادی و آقا محمدی برای آن کمیسیون انتخاب شدند. (نمایندگان - مبارک است) که آقای نادی با اکثریت مطلق و آقای آقا محمدی با اکثریت نسبی و نزدیک به اکثریت مطلق انتخاب شدند.

در مورد صدا و سیما آراء این جوری است و همه آراء را نیاورده‌اند، آن کسانی که انتخاب شده‌اند، آنها را آورده‌اند.

عده حاضر که در جلسه اعلام کرده بودیم ۱۹۰ نفر اما آرائی که به گلدان ریخته بودند، ۱۹۸ رأی که این به خاطر اینکه تا بلو مشخص نیست یا دقت نبوده یا افرادی وارد شده‌اند که این حالا مهم نیست. در مورد عضو اصلی:

آقای اسدالله بیات ۸۱ رأی داشتند و آقای خامنه‌ای ۶۹ رأی داشتند و آقای دری ۵۰ رأی.

در مورد عضو علی‌البدل:

آقای اسماعیل فدائی ۷۶ رأی. حالا آراء دیگران را اینجا نیاورده‌اند

در مورد عضو علی‌البدل که آقای اسماعیل فدائی رأی بیشتری داشتند انتخاب شدند. در مورد اصلی هم به نظر ما طبق آئین‌نامه‌مان و طبق عملکرد دوره قبل مان آقای بیات انتخاب شده‌اند که در این مورد من یک توضیحی میدهم که بعضی از نمایندگان حرف دارند.

دکتر شیبانی - آقای هاشمی! قانون صدا و سیما را بخوانید اکثریت مطلق است.

رئیس - اجازه بدهید حالا ما این را روشن بکنیم چون این حرف دارد یک قدری باید روشن کنیم ببینیم. قانونی که برای خود صدا و سیما نوشته‌ایم، نوشته اصلی باید با رأی مطلق یعنی آراء اکثریت مطلق انتخاب بشود. آئین‌نامه‌ای که خود مجلس دارد برای انتخابات که بعد از آن هم تصویب شده با صراحت می‌گوید که تمام انتخاباتی که در مجلس انجام میشود به استثنای انتخاب رئیس و سایر مواردی که در همین آئین‌نامه، نه در قانون در این آئین‌نامه نصاب معینی معین شده بقیه نسبی هستند یعنی هر نوع انتخابی که در مجلس صورت بگیرد به استثنای رئیس که فعلاً مشخص شده نصاب دارد بقیه با اکثریت نسبی است، این در قانون ما است و یک عملی داریم که این مهم است یعنی ما در دوره اول که انتخاب کردیم آقای دکتر روحانی که انتخاب شدند با ۷۸ رأی اکثریت داشتند همین بحث آن موقع مطرح شد یعنی در زمانی که ما اینرا داشتیم همین بحث مطرح شد که آیا آقای دکتر روحانی انتخاب شدند یا باید تجدید انتخاب بکنیم. آقای رحمانی آن موقع تذکر دادند و توی مجلس بحث شده و آن موقع هم مجلس پذیرفته که این انتخاب، انتخاب قانونی است و آقای روحانی با ۷۸ رأی رفتند به صدا و سیما یعنی ما هم عملکردمان است و هم نظر من و خیلی هم روشن است. حالا عبارت آئین‌نامه را من می‌خوانم.

موحدی ساوجی - من نظر دیگری دارم.

زواره‌ای - قانون دارد.

هراتی - اکثریت مطلق است.

رئیس - خیلی خوب، میخواهید حالا یکی از...

موحدی ساوجی - اجازه بدهید من صحبت میکنم.

دکتر شیبانی - آقای هاشمی! آئین‌نامه نمیتواند ناقض قانون باشد.

رئیس - آئین‌نامه که قانون‌تر از آن است. اصلاً آن غلط بوده که برای مجلس ما قانون تعیین کرده است.

موحدی ساوجی - اجازه می‌دهید؟

رئیس - آقای موحدی ساوجی در این مورد یک توضیحی میدهند.

اسمعیل فدائی - اخطار قانونی دارم.

رئیس - این یک اخطار است، دو تا که نیست. ایشان می‌کنند.

دکتر شیبانی - آقای هاشمی! آن موقع هم مجلس آن انتخابات را تأیید کرد. فرق میکند.

رئیس - حالا اجازه بدهید عبارت را می‌خوانیم. آقای موحدی بفرمائید.

موحدی ساوجی - بسم الله الرحمن الرحيم. در رابطه با اعضای شورای سرپرستی یعنی نمایندگان قوه مقننه در شورای سرپرستی قانون مربوط به همان صدا و سیما صراحت دارد که باید در مجلس اکثریت مطلق آراء را حائز باشند یعنی عضو اصلی صراحت دارد و یقیناً کمیسیون مربوطه در آن زمان و مجلس توجه

هست از لحاظ اینکه بادوسوم رأی نمایندگان تصویب شده و از نظر شورای نگهبان گذشته و مؤخر هم بوده و در ماده ۳۷ آئین نامه آمده است « کلیه انتخابات ... » (همین که داریم میخوانیم) پس بنابراین باید با اکثریت نسبی باشد چون این مؤخر است.

آقا محمدی - این وارد نیست .

رئیس - این تذکر وارد است. برای اینکه حرف صحیحی است چون گفته است هر چه در این آئین نامه نصاب برای آن تعیین نشده اکثریت نسبی است.

آقا محمدی - در قانون مطلق قید شده است.

رئیس - آن قانون است ، آئین نامه نیست. نوشته است در این آئین نامه « یعنی برای مجلس . آئین نامه معتبر است تا... »

رحمانی - تمام انتخابات مجلس همینطور است.

رئیس - حرف ایشان درست است و استنباط صحیح است. (هر کسی حرفی زده است و آخرش هم گفته شده که) نتیجه این شد که آقای حسن روحانی انتخاب شدند . (تکبیر نمایندگان) .

و بعد هم ایشان برای مدتی به عنوان نماینده ما در آنجا بودند و عمل می کردند و کسی هم بحثی نداشت که این انتخابات غیر قانونی بوده است. حالا این وضع را داریم از لحاظ استدلالی هم که بعضی از آقایان کردند اگر فرض کنیم که آن قانون خواسته آئین نامه ما را تعیین کند اصل آن درست نبوده چون آئین نامه مجلس باید با دوسوم تصویب بشود . اگر هم فرض کنیم در حد یک قانون بوده خوب آئین نامه ما آن را نسخ کرده ، آئین نامه ما بعد از این آمده آن قانون را نسخ کرده ، من هم قبول دارم که ما موقعی که آئین نامه تصویب می کردیم ناظر به اینگونه موارد نبودیم که بگوئیم حالا گفته ایم که این آن را نسخ میکند چنین چیزی نبوده ولی آئین نامه ای که با دوسوم آراء بعداً تصویب شده ما چه جور آن را نقض بکنیم ؟

نیک روش - در دیوان محاسبات هم عین همین مسأله را داریم .

رئیس - خوب ، حالا اگر در دیوان محاسبات اشتباه کرده باشیم چه کاره ... (نیکروش - مسأله اشتباه نیست) آقای نیکروش ! شما حرف اولتان را دوباره تکرار میکنید . ببینید ، نوشته ، به استثناء انتخاب رئیس و موارد دیگری که در این آئین نامه حد و نصاب دیگری برای ... این آئین نامه نه در قانون . این را ما مقید بودیم . بنده هم در کمیسیون آئین نامه بودم یادم است بحث کردیم . گفتیم انتخاب مطلق اصلاً وقتی که دوباره به اکثریت نسبی نرسد لغو است . برای این که بعدش میرسیم به اکثریت نسبی . شما میگوئید که ما خواستیم با آراء زیاد بروند .

دری - دور دوم نسبی است .

نیکروش - ما برای وزراء چه کار میکنیم ؟

یکی از نمایندگان - دور دوم ، نسبی کافی است .

رئیس - بلی ، دور دوم نسبی کافی است و در کمیسیون آئین نامه هم بحثمان این بود . آن فلسفه ای که رأی زیاد پشت سرش لازم دارد ، دور دوم شکسته میشود . اصلاً انتخابات دو مرحله ای در اینجا لغو است . به این دلیل آن موقع ما بحث کردیم حالا ما کاری به بحث های کمیسیون ها نداریم . ملاحظه آئین نامه مان این است و به این آئین نامه هم عمل می کنیم و من این را دیگر در جلسه مطرح نمی کنم .

شیبانی - در آئین نامه می گوید اکثریت ، آن را بخوانید .

دری - آئین نامه با توجه به قانون خاص نیست .

رئیس - اصلاً آئین نامه بادوسوم آراء است شما چه می گوئید که آن ناخ است ؟ اصلاً آن قانون بیخود برای مجلس ما قانون بوده ، ما در مجلس آئین نامه خودمان را باید عمل کنیم (عید خدائی - هیچوقت تمام ناقص خاص نیست) وقتی که ما میگوئیم کلیه انتخابات مجلس این طوری است این آئین نامه خود ما است اصلاً آن قانون ، حق قانونگذاری برای مجلس مانداشته . آن شامل این نمیتواند بشود . از اول آن درست نبوده حالا شما دارید راجع به این بحث می کنید . برای من روشن است که اصلاً آئین نامه صریح است اینجا ، شما چه بحثی می کنید سر این مسأله ؟

زواره ای - فرض کنیم که اختلاف است از مجلس نظری خواهیم .

رئیس - این اختلاف آئین نامه با قانون را ما از مجلس نظر خواهیم ؟

بادامچیان - قانون در این مورد صراحت دارد . آئین نامه نمیتواند سوادری که قانون صراحت دارد آن را نفی بکند . از طرفی اگر عمل قبلی مجلس ابهامی داشته باشد یا اگر عمل قبل منطبق با قانون نباشد و قانون صراحت داشته باشد ما عمل را زیر سؤال نمیببریم . آن عمل برای ما حجت است .

نیکروش - در مورد دیوان محاسبات هم شما همین کار را کردید و رأی گیری مجدد شد .

رئیس - دیوان محاسبات غیر از این است .

صادقو - مجلس نباید طبق آئین نامه حرکت بکند ؟ آئین نامه تصریح دارد و دوسوم رأی هم برای تصویب آئین نامه همیشه هست اینکه قوی تر است ...

رئیس - حالا من توضیح بدهم آن کاری که ما کردیم آنچه که در آئین نامه داریم آقای موحدی خواندند ، خودتان هم ببینید . ماده ۳۷ آئین نامه که بعد از قانون صدا و سیما که آقای فدائی میفرمایند در این مجلس با دوسوم آراء تصویب شده « کلیه انتخاباتی که در مجلس و کمیسیونها » کلیه انتخابات حالا شما میگوئید انتخابات داخلی ؟ (فدائی - بلی) این حرف واقعاً این است یعنی ما انتخاباتی که در مجلس و کمیسیونها میکنیم میخواهیم بفرستیم یک ماسوری را به خارج یعنی کمیسیون انتخاب میکند یکی را بفرستد به جایی آن مشمول نیست ؟

نیک روش - حاج آقا دیوان محاسبات پس چه شد ؟

رئیس - اجازه بدهید حالا تا برسیم ، حالا دیوان محاسبات را ما کاری نداریم . « کلیه انتخاباتی که در مجلس و کمیسیونها و شعب به عمل میآید اهم از اینکه فردی باشد یا جمعی (میخواهد فردی باشد ، میخواهد جمعی باشد ، استثنایش را هم اینجا گذاشته) به استثنای انتخاب رئیس و موارد دیگری که در این آئین نامه حد و نصاب دیگری برای آن تعیین شده است » این هم مشخص کرده آنهاست که حد و نصاب دارند . والا ندارند دیگر در همین کلیت باقی میماند به اکثریت نسبی است (یکی از نمایندگان - مربوط به انتخابات داخل مجلس است) بایا ! حالا این که من از آقای موحدی نقل کردم شما دیگر دوباره میگوئید برای چه میگوئید . این که آقای موحدی فرمودند من هم گفتم که ایشان میگویند مال داخل مجلس است ، ما قبول نداریم این مال داخل مجلس است . شما الان انتخاباتی را که برای بیرون میکنید همین است ، با اکثریت نسبی است اگر نصاب ندارد . پس ما برای او اصلاً حکم . (رضوی - آقای هاشمی اجازه بدهید) اجازه بدهید من دارم صحبت میکنم .

رضوی - آقایان آئین نامه مجلس را با آئین نامه دولت عوضی گرفته اند . آئین نامه مجلس مادر قانون است .

رئیس - آقا اجازه بدهید که ما صحبت بکنیم « به اکثریت نسبی است و در صورت تساوی آراء یکی از منتخبین به حکم قرعه تعیین میشود » تا این موردش را هم در نظر گرفته اند . حالا شما عمل گذشته ما را نگاه بکنید و ببینید همه جهات مورد نظر بوده .

دکتر شیبانی - شما دیوان محاسبات را جواب بدهید . آن را هم دو هفته پیش انتخابش کردید ، رأی نیارورد تجدید کردید .

رئیس - خیلی خوب حالا آنجا هم باید برگردیم ، یعنی اگر آن کار را بکنیم برگردیم . اما اینجا بحث شده اجازه بدهید . از اینجا شروع میشود : آقای روحانی با ۷۸ رأی ، آقای غفاری ۱ رأی (آقای شیبانی حالا که حرف زدید گوش بدهید دیگر دائماً که دیگر حرف نمیزنند) آقای زواره ای ۴۸ رأی ، آقای موسوی ۱ رأی آورده اند .

دری - جناب آقای هاشمی آن بار هم اکثریت مطلق بود دو ، سه بار رأی گیری کردیم و در تمام آن موارد اکثریت مطلق بوده است .

رئیس - در جمع رأی دهندگان اکثریت مطلق است اگر منظور این باشد (چون رأی دهنده صد و پنجاه رأی داده بودند و اکثریت مطلق در رأی دهندگان بود و عده ای رأی نداده بودند) .

اختری - میزان همیشه همین بوده است .

(حالا عده ای همیشه یکی میگویند نه ، یکی میگوید بلی ، آخر تا اینجا میرسد به آقای حسینعلی رحمانی که طبق ماده ۳۷ ایشان گفتند من تذکر آئین نامه ای دارم و اینطور گفته اند :)

حسینعلی رحمانی - شاید این ماده حاکم باشد بر آن ماده ای که آنجا

آئین نامه ما روشن است.

هادی - تذکر دارم .

رئیس - آقای هادی بفرمائید.

هادی - بسم الله الرحمن الرحيم . ببینید آقای هاشمی ! این ماده ۱۳۷ صراحت دارد در این مطلب ، حالا اگر ع ، ه نفر تذکر داده اند بنده هم از اول تذکر داشتم و دستم را بالا می کردم . آئین نامه کیفیت رأی دادنش دوسوم است . شورای نگهبان هم آئین نامه را تعیین میکند و آئین نامه محکم ترین قانون است . یعنی کیفیت رأی اعتماد به دولت ، استیضاح دولت ، عدم کفایت رئیس جمهور همه این چیزها را ما در آئین نامه آوردیم . اگر قرار بشود ما آئین نامه را لغو کنیم دیگر هیچ قانونی در مملکت معتبر نیست . شورای محترم نگهبان آئین نامه را تأیید کرده و شما به عنوان هیأت رئیسه موظفید و قسم خورده اید که آئین نامه را مراعات کنید . من تعجب میکنم این بحث هائی که

رئیس - حالا آن بحث ها بالاخره حقتان است حرف بزنند من که نمیتوانم بگویم حرف نزنند .

زواره ای - مجلس تصویب کرده ، شورای نگهبان هم تأیید کرده است . رئیس - این آئین نامه بعد از آن است ، با دوسوم آراء است این چه حرفی است ؟ به اندازه کافی این بحث شد ؛ حالا آقایان میتوانند بعداً بنشینیم بحث بکنیم . این جور نیست که به نظرخواهی منجر بشود . دستور بعدی را مطرح کنید .

ه - ادامه بحث پیرامون لایحه حدود و شیوه فعالیت تولیدی بخش خصوصی

منشی - دنباله رسیدگی به گزارش شوردوم کمیسیون امور قضائی و حقوقی در خصوص لایحه حدود و شیوه فعالیت تولیدی بخش خصوصی . ماده ۴ بودیم پیشنهاداتی برای حذف و اصلاحاتی مطرح شده که هیچکدام رأی نیاورده در بند « الف » ع نفر از نمایندگان پیشنهاد دارند سطر دوم از بند « الف » .

آقایان : فؤاد کریمی ، شوشتری ، حمیدی و موحدی ساوجی پیشنهاد دارند در سطر دوم بند « الف » جمله « و در سود و زیان یا محصول واحد تولیدی سهمی نخواهد داشت ولی » این جمله حذف بشود .

رئیس - آقای شوشتری توضیح بدهند .

اسماعیل شوشتری - بسم الله الرحمن الرحيم . در زمینه این پیشنهاد در بند « الف » سطر دوم نمایندگان محترم توجه بفرمایند بند « الف » میگوید : « نیروی انسانی استحقاق دریافت اجرت نقدی یا جنسی بر طبق قرارداد منعقد شده را دارد و در سود و زیان یا محصول واحد تولیدی سهمی نخواهد داشت . » پیشنهاد حذف این جمله است که « و در سود و زیان یا محصول واحد تولیدی سهمی نخواهد داشت » حذف بشود . دلیلان عبارت از این است که اولاً وقتی در خود بند شما میگوئید که نیروی انسانی استحقاق دریافت اجرت را دارد . وقتی تصریح می کنید که استحقاق دریافت اجرت را دارد . چه لزومی دارد که طرف مقابلش را تصریح کنید که سهمی در محصول و یا در سود و زیان ندارد و ذیل بندهم میگوید : « ولی چنانچه در ضمن قرارداد شرط شود که مقدار معینی از سود حاصل به کارگر تعلق میگیرد . این شرط لازم الاجرا است . » خود شما شرط می کنید که اگر در ضمن عقد و در ضمن قرارداد شرط کردید که از سود کارخانه یک مقداری از واحد تولیدی سهمی برای نیروی کار و کارگر در نظر گرفته بشود . شما میگوئید این شرط لازم الاجرا است . بنابراین با توجه به صدر و ذیل بند « الف » پیشنهاد ما این است که این جمله حذف بشود . لزومی اصلاً ندارد . اما در زمینه وجود این جمله این ضرر را خواهد داشت . شما میگوئید « الف » در عوائل تولید ، عوائل را میگوئید ، - نیروی انسانی که محور اصلی است . محور اصلی اش را هم ذکر می کنید . بعد در بند « الف » میگوئید : « و در سود و زیان یا محصول واحد تولیدی سهمی نخواهد داشت . » در حالی که ذیل میگوئید اگر شرط بکند سهم خواهد داشت . وجود این جمله به اعتقاد من ضرر دارد و حذفش مفید است . از حذفش هم هیچ ضرری متوجه نمیشود . اما از بودنش این ضرر که عرض کردم متوجه خواهد بود لذا امیدوارم نمایندگان محترم به حذف این جمله رأی بدهند .

رئیس - مخالف ؟ (اظهاری نشد) آقای یزدی ! از کمیسیون کسی

نمیخواهد دفاع بکند ؟

نخند یزدی - اشکالی ندارد همانطور که توضیح دادند ماهیت آن هیچ

فرقی نمیکند .

رئیس - بسیار خوب ، دولت نظری ندارد ؟ (اظهاری نشد) بسیار خوب .

پیشنهاد خوانده میشود :

پیشنهاد این است که ماده ۴ بند « الف » سطر دوم جمله « در سود و زیان یا محصول واحد تولیدی سهمی نخواهد داشت » ولی این جمله حذف میشود مابقی اش می ماند . مابقی اش این است که « و چنانچه ضمن قرارداد شرط شود که مقدار معینی از سود حاصل به کارگر تعلق میگیرد ، این شرط لازم الاجراست . »

رئیس - بسیار خوب ۱۸۱ نفر حضور دارند . نمایندگان که با این پیشنهاد موافق هستند قیام بفرمایند . (اکثر برخاستند) تصویب شد . پیشنهاد بعدی را مطرح بفرمائید .

منشی (موحدی ساوجی) - در این ماده پیشنهادهای دیگری هست که از بنده هست بعضی پیشنهادها هم تأمین شده در کمیسیون بعضی ها هم تأمین نشده و من لازم میدانم که مطرح کنم ، یکی در همین بند « الف » هست که پیشنهاد کرده ام کلمه « کارگر » بشود « کارکنان » که میگوید : « چنانچه ضمن قرارداد شرط شود که مقدار معینی از سود حاصل به کارگر تعلق میگیرد ، این شرط لازم الاجراست . » پیشنهادم این است که اینجا به جای کلمه « کارگر » کارکنان ذکر بشود برای این که اگر کارگر بگوئیم فقط کسانی را شامل میشود که در داخل یک کارخانه ای یا مؤسسه ای فرض کنید که با ماشین کاری میکنند یا انباردار هستند یا حمل و نقل و این چیزها در داخل یک کارخانه . اما یک کسانی مثل حسابدار یا یک کسانی که در کارهای دفتری کار می کنند . بایگان است ، حسابدار است و امثال اینها . خوب ، اینها را ما بگوئیم که اصلاً کارگر شامل حال اینها نشود . این درست نیست . بنابراین ما به غیر از مدیریت کارخانه ، بقیه افرادی که در یک کارخانه ای کاری کنند اینها همه را ما جزو کارکنان آن کارخانه به حساب می آوریم ، و نباید بگوئیم « کارگر » که بعضی افراد چه بسا حقوقشان هم خیلی کم باشد و اینها را شامل نشود .

رئیس - مخالف ؟ (اظهاری نشد) پیشنهاد آقای موحدی هم مخالفی ندارد نماینده دولت ؟ (اظهاری نشد) دولت هم موافق است پیشنهادتان را مشخص کنید رأی بگیریم .

موحدی ساوجی - در بند « الف » مربوط به سهم نیروی انسانی است گفتیم « نیروی انسانی استحقاق دریافت اجرت نقدی یا جنسی بعد میگوئیم که « چنانچه ضمن قرارداد شرط شود که مقدار معینی از سود حاصل به کارگر تعلق میگیرد این شرط لازم الاجراست . » پیشنهادم این است که بجای کارگر کلمه « کارکنان » ذکر بشود ،

رئیس - بسیار خوب (۱۸۱ نفر حضور دارند) نمایندگان که با پیشنهاد آقای موحدی موافق هستند قیام کنند . (اکثر برخاستند) تصویب شد . اگر پیشنهاد دیگری دارید مطرح کنید .

موحدی ساوجی پیشنهاد دیگر بنده در تبصره است . پیشنهاد کرده ام جمله « و یا کارگران » حذف بشود ، علتش هم این است . همان طوری که وزیر محترم کار هم تذکر دادند آقای موحدی کرمانی هم که در رابطه با حذف کل بند « الف » و تبصره موافق پیشنهاد بودند و صحبت کردند ، مسأله نظارت کارگران در امور کارخانه ، این قانون دارد یعنی قانونی که بعد از انقلاب از همین مجلس شورای اسلامی گذشته در رابطه با شورای اسلامی کار ، در آنجا این حق قانونی نظارت را به کارگران داده است . و ما در این تبصره بگوئیم که :

« تعیین چگونگی مدیریت واحد تولیدی به عهده کارفرما است که مالک عین یا منفعت آن واحد است مگر آن که در ضمن عقد لازمی شرط نمایند که نماینده دولت و یا کارگران در آن نظارت داشته باشند . »

اینجا لازم نیست که در قرارداد خاصی شرط کنند خود قانونی که از مجلس گذشته است و شورای نگهبان هم تأیید کرده در قانون اساسی هم مسأله آمده کارگر در محیط کارخانه حق طبیعی اش است که نظارت بر امور مؤسسه و کارگاه تولیدی داشته باشد . حالا چه دولتی باشد چه خصوصی باشد بالاخره این کارگر هم به عنوان یک عامل در اینجا ذینفع است . چرا بگوئیم این فردی که ذی سهم است و سهم است اصلاً نظارت نداشته باشد ؟ این است که در اینجا من پیشنهادم این است که جمله « و یا کارگران » حذف بشود .

رئیس - مخالف صحبت کنند .

منشی - آقای حائری زاده اولین مخالف است .

حائری زاده - بسم الله الرحمن الرحيم آقایانی که بحث می کنند همیشه می گویند که اگر جایی قبلاً شرط شد آن شرط قبول است ولی حالا آقای موحدی



میگویند حتی حمام را هم میخواهند راجع به نماینده کارگر حذف کنند. وقتی که اسلام اساس را کار قرار میدهد در روابط اجتماعی و مسائل... این کارهایی که الان داریم اینجا بحث می کنیم وقتی اساس، کار هست، و ماهیت این که اساس، کار هست که در شعار نباید باقی بماند. باید در قانون هم بیاید. الان اینجا یک گوشه قانون میخواهد یک ذره به کارگر یک احترام واقعی بگذارد نه در لفظ. در معنا گفته نماینده کارگر اگر ضمن عقد لازمی شرط شود که نماینده کارگر هم در مدیریت سهم داشته باشد ایشان میگویند حذف کنید. خیلی عجیب است با آن صحبت هایی که می کنیم آقا! کارگر چطور است و وضع کارگر چیست، کار در اسلام، اساس کار است و اینها. بعد میگویند «نماینده کارگران» نه این که در مدیریت باشد نمیخواهیم قید کنیم. اصلاح حال است که چنین چیزی پیش بیاید و محال است که نماینده کارگر را کارفرما قبول بکند و قبلاً شرط بکنند که آن نماینده کارگران در مدیریت دخالت داشته باشد. در عین حال که محال است و خیلی هم کم ممکن است اتفاق بیفتد یک احتمال خیلی ضعیف، باز هم در حالت صوری قانون قبول نمی کنند که نماینده کارگر باشد و در مدیریت سهم داشته باشد یعنی وقتی قید کرده که «تعیین چگونگی مدیریت واحد تولیدی به عهده کار فرماست که مالک عین یا منفعت آن واحد است». که باز اینجا کارفرما را هم فقط هر کس منفعت واحد را دارد. این تعریف درست کارفرما نیست. به هر جهت باز هم میگویند: «مگر آن که در ضمن عقد لازمی شرط نمایند که نماینده دولت و یا کارگران در آن نظارت داشته باشند» خوب، اگر این طور است پس نماینده دولت هم باید حذف بشود چون ممکن است قانونی که ما در آنجا داریم نماینده دولت در آن نباشد. این درست نیست و واقعاً با آن حرفی که ما میزنیم و میگوئیم اساس، کار است و میخواهیم بها بدهیم به سعی انسان و تلاش کارگرانی که در یک واحد دارند کاری کنند نه آن کسی که تنها سرمایه آورده گذاشت یا فقط ماشین را آنجا گذاشته، خودش دارد گشت و سیاحت و تفریح میکند. اینجا حداقل نماینده کارگران است که خودشان دارند زندگی و تلاش و توانشان را آنجا میگذارند نماینده شان در مدیریت سهم داشته باشد نه قانون، اگر شرط کردند قبلاً حتی همین ذره ای که احتمال ضعیفی هم دارد ما در صورت ظاهری قانون نگذاریم این اصلاً بد است و با حذفش من مخالفم.

نایب رئیس - آقای موحدی کرمانی موافق بفرمائید.

موحدی کرمانی - بسم الله الرحمن الرحيم. خود مخالف محترم فرمودند که این فرض، بسیار فرض نادری هست و کم اتفاق می افتد که مدیریت موافق باشد که نماینده کارگران، نظارت داشته باشد. من به همین سخن ایشان استدلال میکنم اگر فرض نادری است معنایش این است که پس زیر بار این شرط نمیروند. وقتی زیر بار این شرط نرفتند حق نماینده کارگر در فرض شرط است و شما میگوئید که کیفیت مدیریت با کارفرماست مگر آن که در ضمن عقد شرط بشود به این که نماینده دولت یا نماینده کارگر نظارت داشته باشد. خوب، پس وقتی زیر این شرط نرفت معنایش این میشود که این حق نظارت نماینده کارگر در صورت شرط است و شرط هم که پذیرفته نشد بنابراین نماینده کارگر حق نظارت نخواهد داشت. اگر ما تصریح بکنیم معنایش این خواهد بود و محصل مصوبه ما، این میشود که اگر شرط نشود این حق را نماینده کارگر ندارد و خود آقای حائری زاده هم قبول دارند که مدیریت نوعاً زیر بار این طور شرطی نمیروند. به همین دلیل دقیقاً ما پیشنهاد می دهیم (پیشنهاد دادند آقای ساوجی) که ظاهراً ایشان یا دیگری بودند که گفتند حذف بشود. وقتی حذف شد معنایش این میشود که ما میگوئیم «مدیریت با کارفرماست» مدیریت غیر از نظارت است یعنی کیفیت مدیریت با کارفرماست. و اما مسأله نظارت، نظارت شورای اسلامی کار، در قانون تصویب شده آن دیگر احتیاج نیست به این که در اینجا ما ذکر می کنیم به اعتماد همان مصوبه، شورای اسلامی کار، نظارت دارد و به قوت خودش باقی است. تنها در اینجا ما فقط در رابطه با نماینده دولت تصریح می کنیم که اگر چنانچه در ضمن عقد شرط بکنند نماینده دولت هم میتواند نظارت داشته باشد. بنابراین من خیال میکنم که خود آقای حائری زاده هم که میخواهند در واقع خدمتی به کارگر بشود اینجا نتیجه معکوس دارد که ما تصریح بکنیم همان مصوبه ما کافی است و هیچ نیازی به ذکر نیست. و این ذکر در اینجا غیر از اخلال و ضربه به کارگر محصول دیگری ندارد والسلام.

اسماعیل شوشتری (مخبر کمیسیون قضائی) - بسم الله الرحمن الرحيم. اینجا

ابتدائاً تذکری را عرض بکنم من آن روز توضیح دادم ولی مجدداً باید این توضیح را عرض بکنم.

در تبصره راجع به نحوه مدیریت واحد تولیدی بحثمان هست. مدیریت واحد تولیدی وقتی تحقق پیدا میکند که دخالت درش باشد عرض کردم مقصود ما در کمیسیون قضائی از این ذیل تبصره که میگویند:

«تعیین چگونگی مدیریت واحد تولیدی به عهده کارفرما است که مالک عین یا منفعت آن واحد است مگر آن که در ضمن عقد لازمی شرط نمایند که نماینده دولت و یا کارگران در آن نظارت داشته باشند».

این «مگر» را که استثنا میکنیم عرض کردم مقصودمان نظارت استصوابی است نه استطلاعی، و در حقیقت نحو دخالت منظور هست نه نظارتی که در قانون شورای اسلامی کار مطرح است. ما نظرم آن نبوده، آن روز هم عرض کردم چون ابهام به وجود می آورد من خواهش کردم از ریاست محترم مجلس که این کلمه برداشته بشود تا این ابهام رفع بشود. یعنی این ذیل خلاصه بشود «نماینده دولت و یا کارگران در آن دخالت داشته باشند».

ابوالفضل موسوی تبریزی - آقای شوشتری! دخالت به این معنا را کمیسیون قبول نکرده است.

اسماعیل شوشتری (مخبر کمیسیون قضائی) - عرض کردم نظارت استصوابی یک نحو دخالت است مقصودمان نظارت استطلاعی که صرفاً کارگران یک اطلاعاتی بنست بیاورند و بعد بروند اطلاع بدهند یک چنین نظارتی مقصودمان نیست. و آنچه که در قانون شورای اسلامی کار هست نظارت استطلاعی است. یک نحوه نظارتی که اطلاعاتی به دست بیاورند و بعد هم گزارش بکنند اینجا مقصود ما آن نیست. بنابراین منافاتی با قانون شورای اسلامی کار ندارد. آن یک نوع نظارت است. این نظارت نوع دیگری است که این البته باید اصلاح بشود وگرنه این ابهام را به وجود خواهد آورد. چون این چنین هست با حذف جمله «و یا کارگران» مخالفم، چرا؟ دلیل مخالفت ما عبارت از این است که اولاً به آن شکلی که جناب آقای موحدی کرمانی فرمودند «فرد نادر هست و ممکن است شرط را نپذیرد» نیست. دولت در کلیه واحدهای تولیدی باید موافقت اصولی بدهد. در دادن موافقت اصولی ممکن است شرط بکنند که در مدیریت واحد تولیدی نماینده دولت و یا کارگران هم دخالت داشته باشند. همچنین چون دولت صاحب مواد اولیه هست در دادن مواد اولیه به واحدهای تولیدی باز میتواند شرط کند که مواد اولیه را می دهیم مشروط بر این که کارگران هم در مدیریت واحد تولیدی دخالت داشته باشند و لذا فرد نادر نخواهد بود. آن وقت اگر حذف بشود آن طرف قضیه را نگفتید که اگر جمله «و یا کارگران» حذف بشود معنایش این خواهد بود که اگر بخواهند شرط هم بکنند کارگران نمیتوانند در مدیریت واحد تولیدی دخالت بکنند. پس بگذاریم باشد تا بتوانند این شرط را بکنند. فرد نادری هم نیست در دادن موافقت اصولی، در دادن مواد اولیه به واحدهای تولیدی، دولت میتواند این شرط را بکند که نماینده دولت یا کارگران آن وقت این نکته را هم باز ابهام به ذهن نیاید که اگر ما جمله «و یا کارگران» را حذف بکنیم دولت میتواند همان کارگر را به عنوان نماینده خودش بگذارد. بحث سر این است که باید با حفظ سمت نمایندگی دولت بعد دخالت بکنند. در حالی که اگر دولت نمیخواهد نمایندگی بدهد کارگر خودش مستقیماً در مدیریت واحد تولیدی دخالت بکند چرا حذفش بکنیم؟ لذا با حذف «و یا کارگران» مخالفم. موحدی کرمانی - اگر نظر کمیسیون از نظارت، دخالت است باید بگویند.

رئیس - آقای یزدی! به عنوان رئیس کمیسیون شما چه میفرمائید؟

محمد یزدی - آقای شوشتری فرمودند، نظارت دو نوع است، یکی نظارت استطلاعی و یک نظارت به اصطلاح کفالتی است یعنی استطلاع نیست. ناظر یک وقت مقصودش نگاه کردن است.

رئیس - حالا شما می گوئید دخالت است؟

یزدی - بلی منظور دخالت است.

موسوی تبریزی - در حد نظارت نماینده دولت.

رئیس - ببینید. دوجور نظارت است. همین طور میگویند نظارت، اطلاع که فقط نیست. نظارتی است که باید تصویب کنند یعنی دخالت (موسوی تبریزی -

خیر، استصوابی نیست) حالا باید اینجا روشن کنیم. آقای سلامتی بفرمائید.

سلامتی (معاون وزارت کار) - بسم الله الرحمن الرحيم. در این تبصره که اشاره کرده «مگر آن که در ضمن عقد لازمی شرط نمایند که نماینده دولت و یا



کارگران در آن نظارت داشته باشند» به این معنی است که اگر احیاناً کارگران بخواهند در امر تولید، مدیریت و کلاً امور واحد تولیدی نظارت داشته باشند حتماً باید با توافق طرفینی باشد یعنی طبق قرارداد باشد. خوب، این بدیهی است همان طور که جناب آقای موحدی کرمانی فرمودند هیچ مدیری، هیچ کارفرمایی نمی آید از کارگر بخواهد یا با کارگر توافق بکند که آن در امور واحد تولیدی اش بیاید نظارت بکند و احیاناً دخالت بکند. این کار را به هیچ عنوان نمیکنند حتی در رابطه با مسائل مزد و ساعات کار ما دیده ایم و می بینیم و تجربه کرده ایم که از طرف کارفرما به کارگر تحمیل میشود. چون در موضع قدرت است، چون می بیند که کارگر تعداد زیادی در جامعه هست. بیکاری زیاد است و این کارگر اگر حاضر نشود آن یکی را میگیرد. و این طور نیست که او در مضیقه باشد. کارگر بیچاره است که در مضیقه و در فشار است و مجبور میشود هر چیزی که کارفرما ارائه میکند و نظر میدهد همان را بپذیرد. پس بدیهی است که اگر بگوئیم طبق قرارداد، یک چیز تشریفاتی هست و دقیق نیست، درست نیست. یعنی به کارگر چیزی تعلق نمیگیرد در این رابطه. حالا علاوه بر این ما در همین مجلس تصویب کردیم (محمد یزدی) - به نکته ای که آقای هاشمی فرمودند توجه فرمودند. در متن موافقت اصولی قید می شود (اصلاً این قسمت مغایر با قوانین مصوب همین مجلس است در ۶۳/۱۰/۳۰ در قانون شوراهای اسلامی کار تصویب شده. در ماده (۱۳) که وظایف و اختیارات شورای اسلامی کار را آنجا مشخص میکند و با صراحت نوشته: «نظارت بر امور واحد به منظور اطلاع از انجام صحیح کار و ارائه پیشنهاد سازنده به مسئولین مربوطه». این یکی از وظایف شوراهای اسلامی کار است یعنی یکی از وظایف کارگران و اختیارات کارگران. ما اگر بگوئیم طبق قرارداد طرفین، این را زیر سؤال برده ایم یعنی این معلق میشود و طبق قرارداد هر چه به توافق برسد آن اجرا میشود. علاوه بر این یک ماده دیگر آمده این را تحکیم بخشیده یعنی محکمش کرده. ماده (۱۸) همین قانون شوراهای اسلامی کار، گفته در صورت تقاضای شورا مدیریت باید آمار و مدارک مربوط به وظایف شورا را در اختیار آن قرار دهد. چرا؟ برای اینکه وقتی نظارت میخواهد بکند نظارت همین طور نگاه کردن که نیست؟! دستش را در جیبش بکند و راه برود و نگاه بکند به کارخانه که نیست! باید ببیند دقیقاً در واحد چه میگردد؟ باید ببیند مواد اولیه از کجا می آید؟ چطور مصرف میشود؟ دزدی نیست؟ کار سالم هست؟ مدیریت خوب اعمال میشود؟ و کلاً اجحافی به کسی نمیشود؟ اینها به مدارک احتیاج دارد به تعمق احتیاج دارد. به این احتیاج دارد که کارگرها با هم بنشینند، بررسی بکنند مدارک را و از نزدیک کار را دقت بکنند بعد نظر بدهند. این مشخص است که این نظارت را قانون برای شورای اسلامی کار به رسمیت شناخته آنوقت ما می آئیم با این قسمتی که در این تبصره میگذاریم حذف می کنیم کل قانون گذشته را، و این تازه یک چیزی نیست که ما یک متنی به کارگران بگذاریم و بگوئیم که ما این کار را کردیم یا مثلاً این قانون را تصویب کردیم. در همه دنیا هست، در بسیاری جاها اصلاً نظارت کارگر و دخالت کارگر در مدیریت، به صورت نصف به نصف است چه بخش خصوصی، چه بخش دولتی و یک عده به لحاظ مزایای اقتصادی، مطلب را مورد توجه قرار میدهند، یک عده به لحاظ سیاسی اجتماعی، یک عده به لحاظ اخلاقی و یک عده هم به لحاظ اعتقادی شان. ولی به هر حال در تمام کشورهای جهان حتی در کشور عمان این مسأله هست یعنی به همین شکل نگذاشت روی این حساب ما موافقتیم که کلمه «کارگر» حذف بشود که کارگر در رابطه با قانونی که موجود است، حق دخالت و نظارت در واحد تولیدی داشته باشد.

محمد یزدی - آقای سلامتی! این را توضیح بدهید. بحث در تصمیم گیری نظارت باید داشته باشد، آمار دقیق باید به او بدهند. برای اینکه نظارتش دقیق باشد همه چیز را باید در اختیارش بگذارند که در تصمیم گیری ها حق رأی دارد یا ندارد کمیسیون میخواهد بگوید حق رأی داشته باشد ولی...

سلامتی (معاون وزارت کار) - بلی، این در قانون شوراهای اسلامی کار منعکس است نوشته که شورای اسلامی کار یک عضو مدیریت دارد و آن عضو با است و حق رأی ندارد. ولی وقتی ما قانون داریم چه ضرورتی دارد ما در این بیاوریم؟ این قانون را من میخواهم بخوانم کارگر میخواهد بخواند وقتی می بینید این طوری هست خوب، شما که تدوین کرده اید میدانید این را...
رئیس - آقای سلامتی! آن که شما در قانون دارید، نظارت هست، اینها دخالت اینجا خواسته اند.

چند تن از نمایندگان - دخالت هست.
سلامتی (معاون وزارت کار) - نظارت است.
رئیس - خیر، میگویند منظور دخالت است.
سلامتی - هر دو کلمه، میشود. به هر حال کلمه «نظارت» که حذف میشود یعنی بيمورد است الان چیزی را اثبات نمی کند.
رئیس - شما به هر حال موافق هستید؟
سلامتی (معاون وزارت کار) - ما موافق این هستیم که کلمه «نظارت» برداشته بشود که این «نظارت» به معنی
رئیس - الان مسأله نظارت نیست منظور این است که کلمه «کارگران» حذف بشود.

سلامتی (معاون وزارت کار) - بلی، کلمه «کارگران» حذف بشود که ربط پیدا نکند به اینکه نظارت حتماً باید با توافق طرفین باشد.
رئیس - آقای سلامتی هم روی این بحث میکنند که موافق حذف کارگران هستند و منظور این است که آن قانون «نظارت» دیگری که داریم به اعتبار خودش باقی است.

موحدی ساوجی - اگر «نظارت» را می کنید «دخالت» من پس می گیرم.
رئیس - بسیار خوب، اجازه بدهید.

سید ابوالفضل تبریزی - آقای هاشمی! من یک نکته بگویم. آن مال شورای اسلامی کار است، این مربوط به مطلق کارگر است.

رئیس - بسیار خوب، حالا آقای موحدی هم میگویند که اگر چنانچه نظر کمیسیون از این نظارت «دخالت» است، ایشان هم پیشنهادشان را پس میگیرند. موحدی ساوجی - نه، رفع ابهام کنند، در قانون باید رفع ابهام کنند. باید کلمه «نظارت» بشود «دخالت»

آقامحمدی - اعمال نظر بشود، نه نظارت.

رئیس - اعمال نظر منظور است.

موحدی ساوجی - کلمه «نظارت» را بکنند «دخالت».

کمالی - شورای محترم نگهبان فرمودند اگر مسأله تداخل باشد ماسه به سه آن را هم قبول داریم. اعضای محترم کمیسیون مشترک شوراها بدانند شورای محترم نگهبان فرمودند در امور تداخلی ما سه به سه را قبول داریم. حالا برادران در امور نظارتی را قبول نداریم.

رئیس - آقایان می گویند دخالت، شما چه می گوئید؟

آقامحمدی - آقای هاشمی اعمال نظر بشود.

محمد یزدی - اگر یک کلمه استصوابی گذاشته بشود رفع ابهام می شود.

عابدی - اگر نظر کمیسیون قضائی دخالت باشد یا اعمال نظر را بیاورند یا...
رئیس - الان نظر کمیسیون را مشخص می کنیم. همانطور که همه میگویند آقای یزدی که میفرمایند مخبر کمیسیون هم میگویند، آقای موسوی هم میگویند که «نظارت» استصوابی است و همه میگویند. حالا این تعبیر را درست کنیم جای «نظارت» را بگوئیم «اعمال نظر» یا بگوئیم «نظارت استصوابی».

ابوالفضل موسوی تبریزی - من مخالفم همان نظارت در حد نظارت نماینده دولت.
رئیس - هر دو آنها یکی است. پس میگوئیم «استصوابی» چون نظارت استصوابی را شما قبول دارید نظر کمیسیون همین بوده است دیگر. بنابراین، همه شما قبول دارید همین کلمه «استصوابی» را اضافه می کنیم.

موحدی کرمانی - آقای هاشمی! شما هر چه بیشتر به کارگر حق بدهید ما خوشحال تر می شویم ولی این «نظارت استصوابی» از نظر قانون حدودش مشخص نیست.

رئیس - خوب پس چه؟ نظارتی که اینجا هست، ظاهرش همین نظارت اطلاعاتی هست. همین را شما می گوئید؟

موحدی کرمانی - همین است دیگر، مثلاً آقایان می خواهند بگویند «دخالت» حدودش مشخص نیست.

آقامحمدی - آقای یزدی می گویند «اعمال نظر».

رئیس - گفتن آقای یزدی بلی هست. مخبر کمیسیون هم می گویند ولی در عین حال آقای موسوی هم عضو آن کمیسیون هستند.

مرتضی رضوی - این لایحه با این پیشنهادها قابل اصلاح نیست نماینده دولت بردارد و ببرد.

رئیس - بسیار خوب (خنده رئیس) خیلی خوب. اینکه حرف دیروز بود حالا

حرف امروز یک چیز دیگر است. حالا این بحث‌ها که ضروری ندارد پس کلمه «نظارت» تبدیل بشود به «اعمال نظر».

موسوی تبریزی - در حد نظارت نماینده دولت.

رئیس - نماینده دولت هم تازه همین جا است. هر دو یکی هستند و خبر برای هر دو آنها است. پیشنهاد این است که به جای «نظارت»، «اعمال نظر» باشد.

موسوی تبریزی - این پیشنهاد جدیدی است.

رئیس - جدید است، یعنی پیشنهاد اصلاح لفظی است. رفع ابهام است و باید رأی بگیریم. آقای موسوی! من تعجب می‌کنم، پیشنهاد رفع ابهام قابل قبول است.

موسوی تبریزی - به پیشنهاد جدید نمی‌توانید رأی بگیرید.

رئیس - اکثریت اعضا کمیسیون دارند می‌گویند این.

موسوی تبریزی - من هم یکی از آنها هستم.

فؤاد کریمی - اعلام رأی کنید.

ابوالفضل موسوی تبریزی - به من اجازه بدهید صحبت کنم.

رئیس - صحبت کنید.

فؤاد کریمی - به چه حساب؟ اعلام رأی کنید.

رئیس - خیر، قابل بحث است، یعنی اگر چنانچه پیشنهاد رفع ابهام شد و در مجلس مخالف داشت، باید بحث بشود منتها مختصر بحث کنید. چون بحث روشن است. آقای موسوی بفرمائید.

احمد کاشانی - چه کسی پیشنهاد کرده؟

رئیس - مخبر کمیسیون. می‌گوید نظراً این است.

ابوالفضل موسوی تبریزی - بسم الله الرحمن الرحيم، من خواهش می‌کنم نمایندگان محترم توجه بفرمایند، نظر کمیسیون در این نظارتی که برای نماینده دولت یا نماینده کارگران، اولاً آن جهت را که آقای سلامتی فرمودند که در شورای اسلامی کار تصویب شده آن مال چند نفر است. این مال کل کارگران است حتی آنها که در شورای اسلامی کار دخالت ندارند. اما از نظر اصل مطلب. نماینده دولت چه طور در کارهای بخش خصوصی نظارت می‌کند؟ می‌رود اطلاع پیدا می‌کند و نظرات را استصواب می‌کند. یعنی رأی دارد، نظر دارد، جهت می‌دهد. برای بخش خصوصی جهت می‌دهد، در تولیدش، در توزیعش، در تهیه مواد اولیه عین همان نظارت را نماینده کارگران دارد. در واقع نماینده کارگران در آن کارگاه حق دارد اطلاع پیدا بکند از نظر اینکه تهیه مواد اولیه از کجا هست، توزیع چه طور هست، تولید چه طور هست؟ و استصواب هم بکند. این را تصریح می‌کنم. نظر استصوابی است. نه نظر اطلاعی فقط. اما «اعمال نظر» به معنای دخالت مستقیم است و این دخالت مستقیم هم خلاف شرع است و شورای نگهبان قبول نمی‌کند و هم بالاخره یک قرارداد جدید می‌خواهد. آن که در حد نماینده دولت بتواند نظارت بکند، نماینده کارگر هم باید باشد.

رئیس - بسیار خوب، اینکه گفتید شورای نگهبان قبول نمی‌کند این شروط به توافق با کارفرما است. وقتی که خودش توافق کند به شورای نگهبان چه ربطی دارد. حالا یک نفر هم موافق صحبت کند تا رأی بگیریم. چون این نظر از خود کمیسیون است، آقای یزدی صحبت کنند.

محمد یزدی - بسم الله الرحمن الرحيم، مسأله خیلی روشن هست. احتیاج به بحث ندارد. نظارت به معنای اینکه طرف در جریان امور باشد. این اصلاً احتیاجی به قانون جدید ندارد. همین طور که همه آقایان توضیح دادند، در قانون قبلی هست ولی یک مرحله نظارت دیگری داریم که یک فرد به عنوان ناظر می‌آید در یک جمع تصمیم گیرندگان شرکت می‌کند، در بحث‌ها وارد می‌شود و صاحب رأی می‌شود. یعنی وقتی یک نظر داشت و نظرش در ردیف نظرهای دیگر مؤثر بود می‌تواند جهت بدهد، می‌تواند اکثریت را به یک طرف بکشد، یا اقلیت را به یک طرف دیگر ببرد. بنابراین مقصود از نظارت در این جا آن نظارت اطلاع تنها نیست که در جریان باشد تا آقایان بفرمایند در قانون هست یا آن قانون زیر سؤال برود اصلاً قابل جمع هست با هم تهافت ندارد. آقای سلامتی خوب دقت بکنند، قوانین قبلی که برای شوراهاست اولاً آن نکته که مال شورای نگهبان است، نه مال هر کارگر، ثانیاً اینجا یک حق اضافی دارد به کارگر می‌دهد یک حق محترمی دارد به کارگر می‌دهد. می‌گوید کارگر بتواند در جمع تصمیم گیرندگان شرکت داشته باشد، مثل نماینده دولت و نظر بدهد. نظر بدهد یعنی چه؟ یعنی وقتی

یک بحثی مطرح می‌شود و رأی می‌گیرند او هم مثل بقیه افراد صاحب رأی باشد. اما اینکه آقای موسوی فرمودند این اگر دخالت داشته باشد چنین می‌شود و چنان می‌شود. همانطور که اشاره فرمودید و تکیه با توافق کارفرما باشد و در موقعی که اصلاً موافقت اصولی تنظیم می‌شود و قید بشود هیچ نوع، نه خلاف شرع است. نه خلاف قانون است، هیچ اشکالی هم پیش نمی‌آید. بنابراین برای اصلاح این مشکل و رفع این ابهام یا کلمه «نظارت» را «دخالت» بکنید یا «اعمال نظر» بکنید یا «استصواب». اگر استصواب باشد که دونوع نظارت داریم و حل می‌شود. «دخالت» هم حل می‌شود. دیگر اختیار با مجلس است.

رئیس - بسیار خوب، پیشنهاد اکثریت کمیسیون قضائی این است که کلمه نظارت، «دخالت» بشود. برای این رأی می‌گیریم.

ابوالفضل موسوی تبریزی - استصوابی.

رئیس - آن که حرف شما بود که حالا رد شد.

ابوالفضل موسوی تبریزی - رند شده ایشان هم پیشنهاد می‌کنند.

رئیس - ایشان هم می‌گویند «دخالت» حالا ما روی پیشنهاد رأی می‌گیریم شما دیگر چه کار به بقیه آن دارید.

ابوالفضل موسوی تبریزی - آقای هاشمی! برخلاف آئین نامه است.

رئیس - آئین نامه عیناً همین است. یعنی اگر چنانچه ابهامی در عبارت بود... عبارت را بخوانید. من تعجب می‌کنم.

ابوالفضل موسوی تبریزی - اگر میخواهید برای مصوب کمیسیون رأی بگیرید مصوب کمیسیون «نظارت استصوابی» است. این را رأی بگیرید.

رئیس - حالا من می‌گویم این ابهام دارد.

موسوی تبریزی - اگر استصوابی بیاورید، ابهام برداشته می‌شود «نظارت استصوابی».

رئیس - ببینید آقای موسوی! من تعجب می‌کنم. یک آقائی که یک چیزی را قبول ندارد یک بار، دوبار، سه بار می‌گویند به بحث هم کشیدیم. گذاشتیم بحث هم بکنند. اکثریت اعضا کمیسیون می‌گویند ما منظورمان از این «دخالت» بوده و حالا ما شک می‌کنیم. چون شک می‌کنیم، اینجا به بحث گذاشته ایم، بحث هم کردیم حالا هر چه مجلس خواست، آئین نامه هم پیش‌بینی کرده در مواردی که چنین ابهامی باشد مخالف و موافق بحث می‌کنند بعد هم به رأی می‌گذاریم. یعنی ما الان عین آئین نامه را داریم عمل می‌کنیم. با «نظارت استصوابی» هیچکس مخالف نبود. بحث هم نمی‌خواست اینکه ما بحث کردیم روی دیگری بود. وقتی ما گفتیم «اعمال نظر» بکنیم ایشان گفت من مخالف هستم، والا «نظارت استصوابی» را که آقای موسوی خودشان هم موافق بودند. آن که بحث کردیم این است، ماده ۱۰. آئین نامه را بخوانید.

ماده ۱۰. آئین نامه داخلی «هنگام بحث نسبت به هر ماده هرگاه پیشنهاد حذف تمام یا قسمتی از ماده یا رفع ابهام از آن بشود پس از توضیح پیشنهاد دهنده و اظهارات یک مخالف و یک موافق نسبت به پیشنهاد اخذ رأی به عمل خواهد آمد».

رئیس - ۱۸۱ نفر حضور دارند نمایندگان که موافقت برای رفع ابهام، کلمه «نظارت» تبدیل به «دخالت» بشود قیام بفرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. آقای موحدی شما پیشنهادتان را پس گرفتید؟ (موحدی ساوجی - بلی) آقای موحدی هم آن پیشنهاد قبلی‌شان را پس گرفتند. پیشنهادهای بعدی را مطرح کنید.

منشی - آقای کمالی و آقای علی اکبر روحانی فر پیشنهاد کرده‌اند که تبصره بند «الف» حذف بشود.

کمالی - بسم الله الرحمن الرحيم، مدتی پیش کمیسیونی تشکیل شد و گروهی از برادران متعهد و مسؤول نشستند تا زیر ساخت اقتصادی کشور را بنویسند. و ما اسیدوار بودیم که اقتصاد....

رئیس - شما در این موضوع صحبت کنید، می‌خواهید تاریخ را بگوئید، ما گفتیم مختصر بفرمائید.

کمالی - حاج آقا تاریخ عرض نخواهم کرد. وبعد از مدتی که ما منتظر بودیم تا اقتصاد بیمار ما نجات پیدا کند، ما دیدیم، لایحه‌ای به مجلس آمد تحت عنوان «حدود شیوه فعالیت بخش خصوصی». بنده با پیشنهاد حذف ماده ۳ و ۴ و در حقیقت خواسته‌ام یک چیز را عرض کنم. آن هم این است که ما نباید مسائل را با همدیگر مخلوط کنیم. اجازه کار دادن به بخش خصوصی رابطه آن

چنانی با قانون کار ندارد. قانون کار تنظیم روابط انسانها در محیط کار است. شما اگر میل دارید تا حدودی برای کار و فعالیت بخش خصوصی مشخص کنید اصلا به این لایحه نمی خورد و تمام بندها و موادش به این لایحه نامربوط است. یک قانون کاری را ما برداشته ایم و آورده ایم، در مجلس هست، تمام این مواد در آن بحث شده حالا یا شرعی هست یا نیست. اگر خلاف شرع باشد شورای محترم نگاهبان جلو آن را می گیرد. با هیچکسی هم تعارف ندارد و اگر هم شرعی است خوب، تصویب می کند. چه هراسی از این مسائل است؟ چرا ما بیائیم مسائلی را که به هم مربوط نیست این جوری بحث کنیم؟ من یک مسأله ای را عرض می کنم برادرها اول انقلاب را فراموش نفرمائید. شما به مردم وعده ها دادید. همین آقای هاشمی که بنده ارادت مخصوصی خدمت ایشان دارم اینجا تشریف دارند. در جلساتی که با کارگرها داشتند چه قدر وعده دادند؟ مرحوم شهید بهشتی در جلساتی که با کارگرها داشتند چه قدر وعده دادند؟ آقای خامنه ای رئیس محترم جمهوری در جلساتی که با کارگرها داشتند چه قدر وعده دادند؟

رئیس - خوب، همه وعده ها اینها بوده (خنده رئیس) حالا چه می گوئید شما؟ (همه نمایندگان).

کمالی - اجازه بدهید عرض کنم. این لایحه مفهومی این است که تمام آن چیزهایی که گفتیم هیچ چی. یعنی شما را گول زدیم، سرکار گذاشتیم. آن چیزهایی که به شما گفتیم همین جوری بوده. این لایحه مفهومی این است یعنی حبس مردم است. مرحوم شهید بهشتی در این بحثی که در رابطه با شوراداران، فرمائید ببینیم چه می گویند؟

رئیس - آقای کمالی! حالا اصل پیشنهادتان را که ما به زحمت پذیرفتیم آنوقت حالا آمدید....

کمالی - بنده پیشنهاد حذف لایحه را دارم (سه ماده ای که پیشنهاد کرده ام) و اگر هم نشد حداقل این بندی که آخر است...

رئیس - بسیار خوب، حالا بحث این تبصره است. آقای کمالی هر چه بلد بودند در همین یک تبصره گفتند. آخر هم از تبصره بحث نکردند (خنده نمایندگان).

رئیس - مخالف و موافق صحبت کنند.

منشی - آقای یعقوبی مخالف فرمائید.

مهدی یعقوبی - بسم الله الرحمن الرحیم، جناب آقای کمالی باید دلایل خودشان را برای حذف این تبصره ارائه می دادند که متأسفانه، در این زمینه چیزی فرمودند و صحبت ایشان کلی بود. از طرف دیگر این تبصره با این مطلبی که در آخر آن آمده زمینه دخالت کارگر را در مدیریت فراهم می کند که اگر این تبصره حذف بشود این زمینه هم از بین می رود اینجا با شعار «حمایت از کارگر» در حقیقت می خواهیم که این یک مقدار دخالت آنها را هم در مدیریت از بین ببریم. بنابراین من مخالف هستم و حذف تبصره اینجا به ضرر کارگر است.

رئیس - موافق حذف تبصره صحبت کند. آقای روحانی نیا فرمائید.

روحانی نیا - بسم الله الرحمن الرحیم، من این برادران به خصوص برادران هم صنف خودمان طلاب محترم را نظر مبارکشان را جلب می کنم به این مسأله شرعی در اینجا هر قراردادی بین دو مسلمان بسته بشود، این قرارداد یک عقدی دارد. پیمان است. در ضمن این عقد تا آنجا می توانند شرط بکنند (شرط ضمن عقد) که خلاف احکام الله نباشد. قاعده معروف فقهی «المؤمنون عند شروطهم» بر اساس این مبنا فضلاء محترم کمیسیون قضائی، اساس و پایه قسمتی از این لایحه را ریخته اند. کارگر حق در سود ندارد مگر اینکه خودش با کارفرما شرط کند. نه دولت شرط کند، فرم پر بکند. «کارگر حق کذا ندارد مگر اینکه ضمن عقد شرط بشود».

رئیس - تبصره مطرح است.

روحانی نیا - اجازه بدهید، من در تبصره ضمن عقد دارم صحبت می کنم یعنی «شرط ضمن عقد» (رئیس - آن سود اینجا نیست) هیچ خارج از موضوع نیست. اینقدر هم که به موضوع مربوط است. بنده ادعایم این است، برادران فاضل طلبه به خصوص و بقیه اشخاصی که مطالعات مذهبی دارید من می خواهم ادعا کنم این حرف درست است اما موضوع این حکم این نیست. موضوع حکم اینکه یک اجیر برای یک نفر کار بکند هر نوع شرطی بکند و بگوید صد تومان، صد تومان را باید بدهد، بگوید صبح، ظهر یک ساعت بخوابم باید بدهد. شرط ضمن عقد این موضوع یک انسانی است که صبح برود بنائی کند، عصر هم پولش را بگیرد و برود. اما مسأله کارخانه و قرارداد عمری یک موضوعی است

غیر از آن موضوع، پریروز هم عرض کردم از موضوعات مستحدثه است این هم که پریروز تا حالا بطور ضمنی دارد به ما حمله می شود یک جمله ای عرض کردیم، عذر هم می خواهیم که گفتیم تحریر الوسیله را در نظر بگیرید، امام را هم در نظر بگیرید. مقصودم حکومت بود. یعنی یک حکومت در عصر فعلی و قتی که یک موضوع مستحدث بنام پیشرفت صنعت، کارخانه، مراکز تولیدی به این شکل پیدا شده این یک موضوع است باید دنبال حکمش بگردیم حکومت اسلامی می تواند اصلا قانون بگذراند همانطوری که بیمه، این آقایان بیمه را چه می گویند؟ شما فشار می آورید به آن کارگاه که آقا! باید کارگرها را بیمه کنی، او می گوید ما شرط ضمن عقد که با این کارگرها تک، تک نکرده بودیم. شما را به خدا یک واحد تولیدی، یک کارگر گرسنه شرط نمی کند؟ یکی دیگر شرط میکند. این بلبشو اصلا میشود یک واحد و یک ارگان را مثلا شما نظم بدهید، این یک واحد است و احکام جدائی دارد و غیر از شهیدی حسن است که برای حاج آقا تقی بنائی کرده. این عرض بنده بود. من خواهش میکنم از برادران مجتهد، قریب الاجتهاد، برادرانی که در مجلس تشریف دارند دکترهای حقوق، قانوندانها، اینها بیایند این مسأله را بنشینند سر صبری بحث کنند و ببینند این موضوع اصلا تبیین کلی با موضوع دارد که یک روزی یک کسی برود برای یک نفر گوسفند بچراند. این موضوع مستحدث است و باید حکمش را پیدا کرد. اعتقاد بنده این است که یک قانون کار پخته بر اساس عدالت تصویب بکنیم والا اگر اینطور باشد بازار عرضه و تقاضا است. یک روز کارگر گرسنه زیاد است. چهل و پنج تومان قرارداد، ضمن عقد هم هیچ شرطی نمی کند پس فردا هم که دستش رفت زیر دستگاه و قطع شد میگوید آقا! حالا که دست نداری برو بیرون، یک دست دار تازه می آوریم. شما را به خدا یک خرده فکر کنید شما را به آن روح انقلابی که در همه شما وجود دارد یک مقداری فکر بکنید. اسلام بالاتر از اینها است که یک مقداری تدوین شده. اینها برای موضوعات خاصی است و بالای چشم مان، ولی یک موضوعاتی در دنیا دارد پیدا میشود اینها احکام دارد. باید فقهای ما زحمت بکشند و احکامش را پیدا کنند. من معتقدم دولت اسلامی با آن اختیارات تام حالا یک وقت بحث ولایت قیبه و اینها است که در حوزه علمیه در سر و کله هم میزدیم. زمان غیبت نباید باشد حالا هم که باید باشد فقط برای دفن سیت و امثال اینها است. بحمد الله مجلسی های ما حداقل معتقدند احکام اختیارات دارد. ولی مردم است. می خواهد بگوید در این کشور اگر میخواهی کارخانه تأسیس کنی و یک عده انسان را بیاوری باید بر اساس این ضوابط بیاوری والا چرا می گوید باید آنها را بیمه کنی؟ والا چرا گفتیم که باید درمانشان چنین باشد و چنان باشد؟ با آن چیزهایی که ما خواندیم برای یک دوره فترت، یک فقه محکوم، فقه محکوم یعنی حاکم یک کسی دیگر است، یک کثافت کاری هائی میکند، حکم کثافتکاری او را هم ما می گوئیم. تکلیف چیست؟ (رئیس - وقتان تمام است) اما فقه حاکم یعنی چه؟ یعنی خود همین تحریر الوسیله الان حاکم است. این از زیر سلطه بیرون آمده و می خواهد حکومت بکند. حالا شما ببینید این عرایض من ضد فقه است، ضد اسلام است ضد قرآن است، خاص مردم را ببینید، آقای کمالی بنده خدا، خوب آقای هاشمی به ایشان گفتند هر چه داشت گفت. خیر، بیش از اینها دارد شاید نمیتواند بگوید، ماهم که وقت اجازه نمیده. بروید مثل غربی ها اقل، شما نه شرقی، نه غربی را هم که بدتر کردید! (رئیس - بالاخره پنج دقیقه کم میشود حرف بزنید دیگر) اصلا یک چیزی شد فوق غربی ها. بنده خدا بیاید کار بکند، آخر کار هم شل و کور شد، به او می گویند چون شرط ضمن عقد نکردی برو بیرون، این درست نیست.

رئیس - بسیار خوب. مخالف و موافق صحبت کردند آقای شوشتری فرمائید شوشتری (سخنر کمیسیون قضائی) دو مطلب در اینجا است که بحث اول عبارت از این است که آنچه در زمینه واحدهای تولیدی است، مسلم از مصادیق باب اجاره است و هیچ شبهه و شکلی در آن نیست. منتها اجاره گاهی اجیر، یک روز اجیر میشود گاهی مدت طولانی است. از اینکه از مصادیق این باب نیست، خیر مسلم هست. اما فرمایشاتی که برادرمان آقای کمالی گفتند اصل مطلب به جای خودش محفوظ، من نفهمیدم به این تبصره چه ارتباطی دارد گفتند خوب، جناب آقای هاشمی با کارگرها صحبت کردند. به آنها وعده دادند و بنده از همین پشت تریبون به کارگران عزیز عرض میکنم که همان وعده هائی که حضرات داده اند، یک به یک باید اعمال بشود. و چه مسأله ای بالاتر از اینکه در

یا مواد اولیه دست دولت است. دولت وقتی مواد اولیه را میخواهد به واحدهای تولیدی بدهد، شرط بکند، بگوید با این شرط مواد اولیه را میدهم که نماینده دولت ویا کارگران در آن دخالت داشته باشند. لذا این مطالب به این تبصره ارتباطی ندارد و برای جامعه عمل پوشاندن به همان وعده‌ها باید این تبصره بماند. رئیس - بسیار خوب. نماینده دولت؟ (نماینده دولت - موافق حذف تبصره هستیم) دولت هم موافق حذف تبصره است.

۱۸۴ نفر حضور دارند. نمایندگانی که با حذف تبصره از بند «الف» موافق هستند قیام بفرمایند. (عده کمی برخاستند) تصویب نشد.

۹- پایان جلسه

رئیس - ما الان دیگر وقت نداریم ویه تنفس میرسیم. ضمناً آقایان توجه داشته باشید که بقیه جلسه مربوط به بین‌المجالس است. یعنی بلافاصله بعد از تنفس تشریف بیاورید که بحث بین‌المجالس است. طبق آئین‌نامه همه باید در این جلسه شرکت بکنید که بودجه‌اش باید در این مجلس تصویب بشود. یک ربع ساعت تنفس میدهم.

(جلسه در ساعت ۱۰/۲ به عنوان تنفس تعطیل گردید.)

رئیس مجلس شورای اسلامی - اکبر هاشمی رفسنجانی

قانون شورای اسلامی کار این نکته را عرض بکنم، مرتب روی آن تکیه میشود. اولاً در قانون شوراهای اسلامی حق نظارت را فقط به شورای اسلامی داده. نه به بقیه کارگران. و از طرفی دیگر در زمینه آنجا گفتیم نظارت است، مخصوصاً قانون تصریح دارد. «نظارت جهت اطلاع». یعنی کارگر بنشیند کنار، اطلاعاتی به دست بیاورد بعد گزارش بکند. اما در این تبصره ما گفتیم که «دخالت» باید بکند. حق رأی دارد در مدیریت. این جامعه عمل پوشاندن به همان وعده‌هایی است که در کارگران باید انجام بگیرد. اما مثل است که میگویند که شرط را باید خود کارگر بکند. ما در تبصره نداریم که خود کارگر شرط بکند. استثناء شده «مگر آنکه در ضمن عقد لازمی شرط نمایند که نماینده دولت یا کارگران در آن دخالت داشته باشند» (روحانی‌نیا - ابهام است این عقد لازم بین کی و کی است؟) شرط نمایند مقصود عبارت از این نیست. عرض کردم باب اجاره است. اجاره خودش عقد است. در زمینه شرط نمایند وقتی دولت موافقت اصولی میدهد میتواند در متن موافقت اصولی این شرط را بگنجاند. موافقت اصولی میدهم مشروط بر اینکه کارگران یا نماینده دولت در مدیریت دخالت داشته باشند. نظارت نیست بلکه بالاتر از نظارت است. آن نظارت جای خودش محفوظ است.